



مالکیت فکری؛ سیری در ادله موافقان و مخالفان

پدیدآورنده (ها) : بای، حسینعلی

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: پاییز ۱۳۹۳- شماره ۷۹ (علمی-ترویجی/ISC)

صفحات : از ۲۲ تا ۷۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1168711>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مشروعیت و مالیت شرعی حقوق معنوی
- حقوق معنوی و آثار شرعی
- موافقان و مخالفان مالکیت فکری
- بررسی حقوق مالکیت معنوی در صنعت نشر از دیدگاه اسلام با تأکید بر نشر دیجیتال
- بررسی مفهومی «بغی»، «محاربه» و «نافرمانی مدنی»
- شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر شفافیت نظام اداری ایران (ناظر بر بند ۱۸ سیاست‌های کلی نظام اداری)
- نقد و بررسی ادله ی مشروعیت «وقف حقوق معنوی»
- بررسی حقوق ترجمه و مترجم در فقه و حقوق موضوعه
- احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات
- تحلیلی در مبنای فقهی مشروعیت مالکیت فکری (در فقه شیعه و فقه اهل سنت)
- پژوهش در حقوق امنیت ملی: مبناها و کاربردها
- جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

عناوین مشابه

- بازخوانی انتقادی ادله ی موافقان و مخالفان قاعده ی لطف در مباحث کلامی
- منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید
- قاعده ی لطف در قرآن و روایات (نقد و بررسی ادله ی موافقان و مخالفان)
- بررسی ادله موافقان و مخالفان چندمعنایی در قرآن کریم
- پیاده روی پارازیت ها روی سلامت شهروندان: هر دو در خطریم؛ موافقان و مخالفان ماهواره
- مخالفان و موافقان بورس ارز در یک ماه اخیر چه گفتند؟
- ارزیابی ادله موافقان و مخالفان روش تفسیر علمی قرآن کریم
- رفاه اجتماعی ۱: خاستگاه فلسفی دولت رفاه پوپر در تقابل با نظریات موافقان کلاسیک و مخالفان معاصر
- تحلیل انتقادی ادله موافقان و مخالفان حجیت شرع من قبلنا
- موافقان و مخالفان مرگ مغزی در فقه اهل سنت

مالکیت فکری

سیری در ادله موافقان و مخالفان

○ حسینعلی بای*

چکیده

بحث مشروعیت مالکیت فکری از مباحث پر ثمری است که قوانین و مقررات متنوعی را در سطح ملی و بین المللی به خود اختصاص داده است ولی موضوع مزبور جای خود را در فقه که مهم ترین منبع حقوق ایران به شمار می رود، چندان که شایسته است، باز نکرده است. با این حال در یک تقسیم بندی کلی، می توان فقها را با توجه به نظرات و مباحث پراکنده ای که ابراز داشته اند، در دو دسته موافق و مخالف حقوق مالکیت فکری جای داد. مخالفان مالکیت فکری با استناد به قاعده سلطنت، عدم امضای مالکیت فکری توسط شارع، عدم جواز اجرت بر واجبات، تنافی این حقوق با مذاق شریعت و... مشروعیت این حقوق را زیر سؤال برده اند. در سوی دیگر، برخی از فقها و صاحب نظران با تمسک به ادله ای چون قاعده لاضرر، لزوم وفای به عهد، حرمت اکل

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

مال به باطل، قاعده حفظ نظام، حرمت تصرف در اموال دیگران، حرمت ظلم، بنای عقلا، جواز جعل مقررات از باب ضرورت و... در صدد اثبات این حقوق برآمده‌اند. به نظر می‌رسد مجموع ادله اقامه شده می‌تواند مشروعیت این حقوق را ثابت کند. **کلید واژگان:** مالکیت فکری، حقوق معنوی، حق التألیف، آفرینش‌های فکری.

مقدمه

حمایت نکردن حقوقی از پدیدآورندگان آفرینش‌های فکری، پیامدهای منفی فراوانی در ابعاد تجاری، اقتصادی، علمی و حتی فرهنگی، برجای گذاشته و جریان عادی امور را در عصر فناوری و جامعه اطلاعاتی مختل می‌سازد. امروز برای تهیه یک برنامه یا نرم‌افزار رایانه‌ای یا ساخت و تولید یک کالای صنعتی یا بهداشتی و یا تألیف و تدوین یک اثر علمی یا هنری و ... هزینه‌های زیاد و وقت‌های طولانی صرف می‌شود. در صورتی که عواید اقتصادی و منافع مادی تولیدات فکری به صاحبان فکر و اندیشه بازگردد، موجب پدید آمدن انگیزه‌های مضاعف برای نوآوری و ابداعات بیشتر خواهد شد و از سوی دیگر با بازگشت یا افزایش سرمایه‌های هزینه شده، فرصت‌های جدیدی در اختیار پدیدآورندگان آثار فکری قرار می‌گیرد تا در مسیر تولیدات جدیدتر راه هموارتری در پیش رو داشته باشند. در دیگر سوی، ارتکاب برخی اعمال، مانند چاپ بدون مجوز آثار دیگران یا در معرض کپی و نسخه برداری قراردادن تألیفات دیگران، استفاده از عنوان و علائم تجاری دیگری، کپی‌های غیرمجاز از برنامه‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای و یا شکستن قفل نرم‌افزارها و ... موجب آسیب‌های جدی به صاحبان این آثار شده و انگیزه تولید کنندگان را برای خلق آثار جدید که به نوبه خود می‌تواند در رشد و تعالی اجتماع و رفاه و ترقی هر چه بیشتر آن مفید و راهگشا باشد، از بین می‌برد. حجم این تخلفات به گونه‌ای است که گاه تضمین‌های حقوق مدنی و اداری برای

حمایت از این نوع آثار کافی نبوده و ناگزیر باید از ضمانت اجرای کیفری مدد گرفت. بر اساس آمار سازمان صنعتی مجوز نرم افزاری شغلی در مورد نرم افزارهایی که به طور غیرقانونی کپی شده، در آمریکا ۴۰٪، در آلمان ۷۶٪، در ژاپن ۸۱٪ و در تایلند ۹۸٪ نرم افزارها به صورت غیرقانونی کپی شده است.^۱

با وجود مباحث فراوانی که در نوشته های حقوقی در موضوع مشروعیت مالکیت فکری مانند؛ تعریف اثر فکری، ویژگی ها و خصیصه های آن، اقسام و مصادیق آفرینش های فکری، گستره حق مالکیت فکری و استثنائات آن، کیفیت ثبت اثر فکری و ضمانت اجرای حمایت از این حق و ... صورت گرفته است، طرح این موضوع در مباحث و نوشته های فقهی، همپای مباحث حقوقی و متناسب با نیازهای روز، پیش نرفته است. بدیهی است در صورت وجود مباحث غنی فقهی در زمینه مالکیت فکری، قانون از پشتوانه های فقهی متناسب برخوردار بوده و زمینه آسیب شناسی قوانین موجود و به دنبال آن، اصلاح و تکمیل قوانین مربوط به مالکیت فکری فراهم خواهد آمد.

برای صاحبان و پدید آورندگان آثار فکری دو دسته حقوق قرار داده شده است؛ حقوق اقتصادی نظیر حق انحصاری ساخت، حق انحصاری نشر و تکثیر و حقوق معنوی و اخلاقی نظیر حق تمامیت اثر که به موجب آن، دیگران حق تغییر یا تحریف آثار دیگران را ندارند.

در این نوشتار بدون ورود به مبانی نظری مالکیت فکری، با رویکرد به جنبه حقوق اقتصادی آن و با تأکید بر حقوق مرتبط با نرم افزارهای رایانه ای، ادله فقهی موافقان و مخالفان حقوق مالکیت فکری، مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت.

۱. زیبر، جرم کامپیوتری و حقوق اطلاعاتی کیفری، ج ۲، ص ۱۰۴.

گزارشی از آرای فقها در زمینه مشروعیت مالکیت فکری

با جستجو و تتبع در عبارات و فتاوی فقها، در مورد به رسمیت شناختن حقوق مالکیت فکری، پنج دیدگاه و یا به بیان دقیق تر، پنج تعبیر را می توان یافت، که عبارتند از:

۱. مالکیت فکری از حقوق عقلایی بوده و دارای ارزش و احترام است و بر همین اساس نیز تعدی به آن ممنوع است.^۲
۲. حقوقی مانند حق طبع و حق نشر از حقوق شرعی نبوده و افراد دیگر بدون اذن پدیدآورنده، حق هر نوع استفاده و بهره برداری از آن را خواهند داشت.^۳
۳. مالکیت فکری، یک حق شرعی نیست؛ با این وجود حاکم شرع می تواند، به دلیل مصالحی آن را معتبر نماید که در این صورت، مراعات این حق الزام آور خواهد بود.^۴
۴. مالکیت فکری به خودی خود، مشروعیت نداشته و لازم الرعایه نمی باشد، با این وجود هرگاه بین فروشنده (پدیدآورنده اثر و منتقل کننده) با خریدار و یا شخصی که اثر فکری به او منتقل می شود، در هنگام انتقال شرط شده باشد- ولو به نحو ارتکازی یا مبنیاً علیه- که اثر، کپی، تکثیر، عرضه و... نشده، بلکه صرفاً برای استفاده خاص باشد، شرط مزبور لازم الرعایه می باشد.^۵

۲. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۲۲؛ مکارم شیرازی، استفتاات جدید، ج ۱، ص ۵۱۸ و ۵۲۲؛ روحانی، استفتاات قضائیه، ص ۲۸۱؛ منتظری، رساله استفتاءات، ج ۳، ص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ صانعی، استفتاات قضایی، ج ۲، ص ۴۶-۵۲.

۳. امام خمینی، گنجینه استفتاات قضایی، سؤال ۲۰۷۱، ۲۰۷۶، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰؛ خویی، منیة السائل، ص ۲۱۹.

۴. سیستانی، گنجینه استفتاات قضایی، سؤال ۵۷۴۲؛ شییری زنجانی، گنجینه استفتاات قضایی، سؤال ۵۷۴۲؛ خامنه ای، گنجینه استفتاات قضایی، سؤال ۵۷۴۲.

۵. بهجت، گنجینه استفتاات قضایی، سؤال ۵۴۷۲؛ صافی گلپایگانی، گنجینه استفتاات قضایی، سؤال ۵۴۷۲؛ امام خمینی، گنجینه استفتاات قضایی، سؤال ۲۰۷۶.

۵. در صورتی که شرط عدم تکثیر و مانند آن شده باشد، تعرض به حق مادی و معنوی پدیدآورنده مانند شکستن قفل نرم افزار، کپی آن و ... جایز نیست، اما در صورت نقض این حق توسط شخصی، استفاده از اثر تکثیر شده جایز است^۶.

اقوال سوم، چهارم و پنجم قابل جمع با قول دوم است همان طور که این اقوال سه گانه نیز ممکن است قابلیت جمع با یکدیگر را داشته باشند. در هر حال با توجه به دیدگاه های ارائه شده، لزوم احترام به مالکیت فکری - فی الجملة در تمامی دیدگاه ها به جز دیدگاه دوم - آن هم در صورتی که به اطلاق کلام آنها اخذ شود مشهود است. در مورد قائلان به دیدگاه دوم نیز باید گفت: هر چند که ظاهر عبارات آنها مخالفت مطلق با مشروعیت مالکیت فکری بوده و بر همین اساس نیز در بسیاری از کتاب ها و مقالات مشاهده می شود که به فقهای مانند امام خمینی، عدم قبول مالکیت فکری به شکل مطلق، نسبت داده شده است، ولی با دقت در عبارات این دسته از فقها - که در ادامه بحث خواهد آمد - ناصحیح بودن چنین نسبتی روشن شده و مشخص خواهد شد تمامی فقها ولو نسبت به مواردی خاص و فی الجملة، این حقوق را مورد تأیید قرار داده اند.

در هر حال، مخالفان مالکیت فکری - در صورتی که این حقوق در ضمن شرط یا به واسطه حکم ولی فقیه لازم الرعایه نشده باشد - به قاعده سلطنت، عدم امضای مالکیت فکری توسط شارع، عدم جواز اجرت بر واجبات و ... استناد جسته اند و موافقان و قائلان به مشروعیت مالکیت فکری نیز در تأیید قول خویش به ادله ای همچون قاعده لاضرر، لزوم وفای به عهد، حرمت اکل مال به باطل، قاعده حفظ نظام، حرمت تصرف در اموال دیگران، حرمت ظلم، بنای عقلا، جواز جعل مقررات لازم از باب ضرورت و ... متمسک شده اند که تفصیل ادله هر گروه از نظر می گذرد.

۶. تبریزی، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۴۷۲.

ارزیابی ادله مخالفان حق مالکیت فکری

۱. قاعده تسلیط

مخالفان مالکیت فکری به قاعده سلطه مالک بر اموال خود استناد کرده اند. مطابق قاعده سلطه که از روایت «إِنَّ النَّاسَ مَسْلُوبُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ»^۷ گرفته شده، شخصی که نرم افزار، کتاب و... را خریده است (اعم از نسخه اصلی یا کپی شده آن)، مالک آن بوده و به هر نحوی (تکثیر، فروش و...) که بخواهد می تواند از آن استفاده کند و کسی نمی تواند سلطنت او را بر مالش محدود سازد مگر در موارد خاصی که این سلطنت از ناحیه شارع محدود شده باشد^۸. مرحوم امام در تحریر الوسیله می نویسد:

آنچه که معروف به حق طبع شده است، حق شرعی به حساب نمی آید و نفی سلطه مردم بر اموالشان (خریداران کتاب) بدون اینکه هیچ گونه شرط و عقدی در میان باشد جایز نیست. بنابراین چاپ کتاب و نوشتن جمله حق چاپ و تقلید محفوظ است فی نفسه حقی ایجاد نمی کند و دلالت بر التزام دیگران نمی نماید. بنابراین دیگران می توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند و هیچ کس نمی تواند مانع آنها از این کار شود^۹. ایشان در فتوای دیگر در همین موضوع بیان می دارند:

تنها نوشتن جمله مزبور^{۱۰} موجب ثبوت حق شرعی نیست و خریدار،

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۲.

۸. برخی از مخالفان حق مالکیت فکری پس از تصریح بر اینکه صرف نوشتن حق چاپ و... محفوظ است، حقی برای پدید آورنده ایجاد نمی کند، اذعان کرده اند که ارتکاز عقلا بر مشروعیت این حق در زمان شارع وجود نداشته است تا شارع آن را امضا و این حق را به رسمیت شناسد. مفهوم این سخن آن است که اگر چنین ارتکازی وجود داشت و شارع از آن ردعی نمی کرد، به رسمیت شناختن این حق مشروعیت داشت.

۹. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۵ و ۶۲۲.

۱۰. مقصود، عبارت «حق طبع محفوظ است» و عبارات مشابه می باشد.

ممنوع از تصرف در ملک خود نمی‌شود، ولی اگر فروشنده خواه مؤلف باشد یا مصنف یا مترجم یا ناشر بر شخص خریدار در ضمن معامله شرط کند که اقدام بر تکثیر نکند و یا در صورت تکثیر، فلان مبلغ بدهد یا برای هر جلدی فلان مبلغ بپردازد یا درصد معینی از کتاب تکثیر شده را تسلیم کند و مشتری چنین شرطی را بپذیرد، شرط مزبور صحیح و لازم الوفاء است^{۱۱}.

در پاسخ به این استدلال گفته شده است که استدلال به قاعده سلطنت، چیزی جز مصادره به مطلوب نیست؛ زیرا معلوم نیست که مالک پس از خرید، چنین سلطه تامی داشته باشد تا کسی نتواند مانع سلطنت او شود.^{۱۲} به عبارت دیگر، معلوم نیست که با خرید اثر فکری و هنری، مالک همان سلطنتی را که بر اموال دیگر دارد، اینجا نیز داشته باشد و بتواند هر نوع تصرفی را نسبت به آن انجام دهد. به این ترتیب در چنین مواردی از ابتداء حق هرگونه تصرفی داشتن، محل شک و تردید است.

همچنین در نفی حکومت قاعده تسلیط بر مطلق تصرفات توسط مالک، گفته شده است:

قاعده تسلیط فقط اجازه می‌دهد که انسان بر اموالی تصرف کند، اما مجاز نیست در حقی که دیگران - در اینجا مؤلف و ناشر - از آن خود می‌دانند تصرف نمایند. اگر چنین حق خصوصی را از مؤلف و ناشر سلب نماییم حقوق بسیاری از آنها تضییع شده و هرج و مرجی در انتشارات به وجود می‌آید که از نظر عقل و شرع قابل پذیرش نیست^{۱۳}.

جالب آنکه برخی از فقها با تمسک به قاعده تسلیط به اثبات مالکیت فکری

۱۱. امام خمینی، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۲۰۷۷.

۱۲. علیدوست، جزوه خارج فقه، بررسی ادله عمومی معاملات، ص ۲۵۵-۲۴۵.

۱۳. مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۲۳۸، با اندکی تصرف.

پدیدآورنده اثر پرداخته و نوشته اند:

هر کس چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه اش بوده و بنابراین مالک و صاحب آن است و حق دارد دیگران را از هرگونه دخل و تصرفی در آن باز دارد؛ زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند^{۱۴}.

ملاحظه می شود که هم موافقان و هم مخالفان مالکیت فکری در اثبات دیدگاه خویش به قاعده تسلیط استناد کرده اند و این امر نشان دهنده آن است که گستره سلطه مالک بر مواردی مانند مصادیق مالکیت فکری، محل تردید و تشکیک بوده و اصل چنین سلطه ای ثابت نیست تا به استناد آن بتوان حقوقی را که در عرف عقلا برای پدیده آورنده ثابت است، از او سلب کرد.

بر فرض آنکه پذیرفته شود مالک نسبت به اثر فکری که آن را خریداری نموده یا از طریق مشروع دیگری به دست آورده است، سلطنت و اختیار تام داشته و بتواند آن را تکثیر یا توزیع یا عرضه کند، چنین سلطنتی با قاعده لاضرر تعارض دارد و در تعارض این دو - حتی به اعتراف برخی از مخالفان مالکیت فکری نیز - قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط حکومت داشته و بر آن مقدم است^{۱۵}. به عبارت دیگر، از آنجا که نادیده گرفتن مالکیت فکری، موجب اضرار مادی و معنوی بر پدیدآورنده اثر می شود، بر فرض آنکه خریدار بر اثر خریداری شده نیز سلطنت تام داشته باشد، لکن از آنجا که این سلطنت تام در تعارض با قاعده لاضرر است، باید به مواردی محدود گردد که مستلزم اضرار به غیر (پدیدآورنده اثر) نباشد^{۱۶}. البته

۱۴. روحانی، المسائل المستحدثة، ج ۲، ص ۹۳.

۱۵. امام خمینی، الرسائل، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲؛ آشتیانی، القواعد الفقہیة، ج ۲، ص ۲۳۰؛ کاشف الغطاء، تحریر المجله، ج ۱، ص ۹۱؛ صافی گلپایگانی، فقه الحج، ج ۱، ص ۲۲۴.

۱۶. ممکن است گفته شود: قاعده لاضرر را باید هم در مورد پدیدآورنده و هم شخصی که اثر به

<

روشن است که قاعده لاضرر، ضررهای طبیعی و مورد پذیرش عقلا را که از اعمال سلطنت به دیگران پدید می‌آید، شامل نمی‌شود. به عنوان مثال اگر شخصی با احداث بنای دو طبقه موجب شود نور کافی به منزل همسایه نتابد، چنین ضرری نمی‌تواند سلطنت مالک را محدود کند؛ زیرا اعمال این گونه سلطنت‌ها مورد پذیرش عقلاست، بر خلاف موضوع مورد بحث که عقلا چنین سلطنت تامی را که موجب اضرار به تولیدکننده اثر فکری است، نمی‌پذیرند.

همچنین گفته شده است که حق مؤلف هنگامی با قاعده سلطنت تعارض پیدا می‌کند که اثر مادی مؤلف به دیگری انتقال داده شود و انتقال گیرنده، مالک محسوب شده و منع تصرف وی بر اساس حق عرفی مؤلف، خلاف قاعده سلطنت خواهد بود. لکن اگر بتوان دلیلی بر مشروعیت مالکیت فکری آورد و مشروعیت حق عرفی را به اثبات رساند، تصرف پدیدآورنده و حق وی در اثر فکری خلاف قاعده سلطنت تلقی نخواهد شد.^{۱۷} به بیان دیگر، چنانچه ادله قائلان به مشروعیت مالکیت فکری تمام باشد، سلطنت شخصی که نرم افزار و دیگر تولیدات فکری به او منتقل شده است از ابتداء، سلطنت مشروط و مقیدی خواهد بود نه سلطنت تام.

> او منتقل شده است جاری کرد؛ زیرا همان گونه که نادیده گرفتن حق مالکیت فکری موجب ضرر بر پدیدآورنده است، محدود کردن استیلا مالکانه شخص خریدار اثر نیز موجب ضرر به او می‌شود. بنابراین، دو ضرر معارض با هم بوده و تساقط می‌کنند و لذا قاعده سلطنت به حال خود باقی می‌ماند.

در پاسخ به این ایراد گفته شده است: که قاعده لاضرر، ضررهای به وجود آمده در اثر اعمال خود این قاعده را در بر نمی‌گیرد؛ به این معنا که ضرر به وجود آمده نسبت به مالک، ضرری است که در اثر اعمال قاعده لاضرر- به نفع پدیدآورنده- به وجود آمده است. در بیشتر مواردی که قاعده لاضرر اعمال می‌شود، نفس جریان قاعده، موجب محرومیت طرف مقابل از جلب منفعت و یا ایراد خسارت به او می‌شود.

۱۷. حکمت نیا، مبانی مالکیت فکری، ص ۳۷۰.

۲. عدم امضای مالکیت فکری از سوی شارع

گفته شده است: علی رغم وجود اختراعاتی در زمان معصومین،^{۱۸} و یا وجود منشأ اعتبار آن، برای مؤلف و مبتکر، حقی اعتبار نمی شده و شارع هم چنین حقی را اعتبار نفرموده است. یکی از فقها در این باره بیان می دارند:

حق طبع، حق تالیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می نمایند، حقیر نتوانسته ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق دهم... بناءً علی کل ما ذکر مشروعیات حقوق مذکوره را ثابت نمی دانیم و هر چند ترتب برخی از آثاری را که بر این حقوق مترتب می گردد، به طور شرط در ضمن عقد امکان پذیر است... راهی که تا حدی می تواند بعض اغراض صحیحی را که در اعتبار این حقوق در نظر است، فراهم سازد، این است که فقیه جامع الشرایط که بر حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد به طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع یا تالیف، طبع یا تقلید از آن اختراع یا تالیف را تا مدت معینی محدود نماید^{۱۹}.

به نظر می رسد عدم تأیید و تصریح به وجود حقی به نام مالکیت فکری، نمی تواند مستندی برای نادیده گرفته شدن مالکیت فکری از سوی شارع تلقی شود؛ زیرا در صدر اسلام و زمان معصومین، اختراع و موضوع مالکیت فکری با ویژگی امروزی آن وجود نداشته است، به گونه ای که تمام وقت افرادی صرف پدیدآوردن اختراعات و آثار فکری شده و برای تولید آثار فکری و هنری، هزینه های

۱۸. اگر کسی بپذیرد که اختراعات و یا مناشی اعتبار مالکیت فکری در زمان معصومین علیهم السلام وجود نداشته، به سادگی نخواهد توانست با تمسک به اینکه شارع مشروعیات حق مالکیت فکری را بیان نکرده است، عدم مشروعیات این حق را مطرح سازد؛ زیرا شرع مقدس در بحث اموال و مالکیت، همان رویه عرف را امضا کرده و تنها مالکیت بر اشیاء و منافع را که فاقد منفعت محله است غیر قابل تملک دانسته است.

۱۹. صافی گلپایگانی به نقل از آیتی، فقه الحج، ج ۱، ص ۷۲.

گزافی صرف شود، بلکه اگر اختراع و تحقیقی نیز بوده، در حد محدودی بوده و علاوه بر آن صاحبان این آثار نیز چنین حقی را برای خود قائل نبوده و آن را مطالبه نمی‌کردند. در هر حال، به دلیل عدم مشابهت نداشتن وضعیت کنونی با شرایط آن روز، به طور قطع نمی‌توان، بی‌اعتبار بودن این حقوق را به شارع نسبت داد؛ زیرا چنین حقوقی عرفاً وجود نداشته و کسی - حتی پدیدآورنده - مالیتی برای این گونه پدیده‌ها قائل نبوده است تا شارع بخواهد آن را امضا یا رد کند. در واقع، ماهیت موضوع در زمان مزبور، با ماهیت امروزی آن تفاوت داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت به طور کلی موضوع تغییر یافته است.

موضوع مالکیت فکری در اختراعات و تألیفات، قابلیت انتشار و تکثیر مکانیکی وسیع آثار است. از اینجاست که حقوق مالکیت فکری به خصوص در حوزه حقوق اقتصادی مطرح شد. به عبارت دیگر، از هنگامی که نتیجه اختراع یا حاصل یک امر ادبی قابلیت این را پیدا کرد که با ابزار مکانیکی به صورت وسیع انتشار یابد، و این امر موجب سودآوری فراوان گردید، موضوع اعتبار مالکیت فکری مطرح شد.^{۲۰}

افزون بر آن می‌توان شواهدی بر تأیید مالیت داشتن دانش و آموخته‌های بشری در صدر اسلام یافت. آزادی اسرای جنگ بدر در مقابل پرداخت مبلغ خاص یا آموزش سواد به مسلمانان از سوی اسرا و نیز قابلیت مهر قرار گرفتن آموزش صنعت یا قرآن و مانند آن^{۲۱} را می‌توان قرائنی از اهمیت و مشروعیت تولیدات فکر و اندیشه و دارای جنبه مالی بودن این گونه امور در نزد شارع محسوب کرد.

۲۰. حکمت نیا، مبانی مالکیت فکری، ۳۶۷.

۲۱. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۲۶۸؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۷۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴.

۳. مشارکت جامعه در تولید فکر و اندیشه

برخی از نویسندگان با تمسک به این مطلب که صاحب اندیشه به گونه‌ای وامدار بشریت بوده و اندیشه او چیزی جز حلقه‌ای از یک زنجیره نیست که حلقه‌هایی از آن پیش از او به وجود آمده و حلقه‌هایی نیز پس از او به وجود خواهد آمد، به نفی حق مالکیت فکری پرداخته و گفته‌اند آنگاه که صاحب اندیشه، حاصل اندیشه خود را پدید می‌آورد، بشریت دورادور با او شریک است. اگر پدیدآورنده با تولید و خلق اثری به جامعه کنونی و آیندگان کمک رسانیده، در همان حال از یافته‌های هم‌عصران خود و نیز افکار و اندیشه‌های پیشینیان کمک گرفته است و مقتضای چنین واقعیتی این است که حق مؤلف یا مخترع، همانند مالکیت مادی، حق دائمی و انحصاری نبوده و باید برای آن پایانی باشد^{۲۲}.

در نقد این استدلال می‌توان گفت هر چند سخن مزبور در جای خود سخن حقی است، اما این حقیقت منافاتی با محترم شمردن و به رسمیت شناختن حق مالکیت فکری ندارد؛ یعنی درست است که تولیدات فکری و نوآوری‌های بشر غالباً و در قریب به اتفاق موارد، در معلومات قبلی اشخاص ریشه دارد و این معلومات از افراد مختلف اجتماع و آثار گذشتگان و معاصران به او منتقل شده است، ولی این امر منافاتی ندارد که اجتماع به سبب اینکه شخصی روزها و ماه‌ها عمر خویش را صرف فکر و تأمل کرده است تا مشکلی را از جامعه بشری حل کند، در حالی که دیگران مشغول امور روزمره خود می‌باشند، حق خاص و ویژه‌ای را برای او به رسمیت شناسد و البته این حق برای افراد دیگری که پس از او می‌آیند و حلقه دیگری از حلقه‌های پیشرفت و ترقی جوامع بشری را کامل می‌کنند نیز محفوظ است.

ثانیاً اگر چنین باشد، تمامی معلمان و اساتید دانشگاه و ... هم، حق دریافت

۲۲. سنه‌وری، الوسیط، ج ۸، ص ۲۷۸.

دستمزد و حقوق ندارند؛ زیرا آنها نیز علم خویش را از دیگران گرفته و اجتماع در تکمیل معلومات و دانش آنها سهیم بوده است. اگر گفته شود ایشان به دلیل مقدمات کار و فعالیت خویش مستحق حق الزحمه و حقوق اند، پدیدآورنده نیز به دلیل مقدمات اثر ایجاد شده، مستحق حقوق متعارف و متناسب با آن فعالیت است.

۴. ضرورت انتشار فکر و عدم انحصار آن

برخی از نویسندگان با طرح این واقعیت که حیات اندیشه در انتشار و همگانی شدن است و نه در انحصار آن و بشر جز به برکت انتشار اندیشه، پیشرفت نمی کند به نفی حق مالکیت فکری پرداخته اند^{۲۳}.

در نقد سخن مذکور باید گفت که ضرورت انتشار فکر، منافاتی با حقوق منصفانه^{۲۴} پدیدآورنده ندارد، همان طور که وجوب کفایت صنعت و زراعت و لزوم ارائه تولیدات کشاورزی و مانند آن منافاتی ندارد که حق کشاورز و زارع نیز در نظر گرفته شود. به بیان دیگر با اینکه ادامه حیات مادی و زندگی بشر در تولید محصولات کشاورزی، لباس و... است اما به ذهن کسی خطور نمی کند که چون حیات جوامع در گرو تولید و عرضه این کالاهاست، کشاورزان و دیگر تولید کنندگان باید کالاهای خود را به صورت رایگان یا قیمت غیرمنصفانه در اختیار دیگران قرار داده و از دسترنج خود محروم شوند؛ پس چگونه نسبت به تولیدات فکری چنین توقعی وجود دارد؟

۲۳. همان.

۲۴. موضوع این نوشته بررسی اصل مشروعیت یا عدم مشروعیت مالکیت فکری است، نه مبنای فقهی داشتن تک تک مصادیق شمرده شده برای مالکیت فکری. به نظر می رسد برخی از مصادیقی که برای مالکیت فکری بیان می شود قابل مناقشه است.

همچنین باید گفت که به رسمیت نشناختن حق مالکیت فکری نیز به نوبه خود موجب عدم انتشار آرا و افکار اندیشمندان می شود؛ زیرا اگر پدیدآورنده را که با تلاش و زحمت فراوان و صرف هزینه های زیاد اثری را تولید کرده، بدون در نظر گرفتن حقوق منصفانه ملزم به انتشار اثرش کنیم، رغبت و انگیزه تولید علم و هنر را در او از بین برده و به این ترتیب مسیر پیشرفت علم و دانش ناهموار خواهد شد و این نقض غرض است.

از منظر دیگر نیز بدون پذیرش حقوق پدیدآورنده، نشر دانش متوقف یا کند خواهد شد؛ این گونه که وقتی که هزینه ها و درآمد اثر تولید شده قبلی به پدیدآورنده باز نگردد، امکان سرمایه گذاری و هزینه های لازم برای تولیدات بعدی توسط صاحب اثر یا پدیدآورنده از بین خواهد رفت و این، یعنی کند شدن روند پیشرفت و علم.

با این حال باید اذعان کرد که در بسیاری از روایات ما به ترویج و نشر علم توصیه شده است. روایات مزبور را می توان در چند دسته جای داد:

دسته نخست، روایاتی است که با بیان اجر و ثواب تعلیم و تعلم، صرفاً به ترویج علم و نشر آن توصیه و ترغیب کرده است^{۲۵}. از تعابیری که در این روایات به کار رفته است مانند: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرِثَةُ النَّبِيِّاءِ»، «فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ»، «مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ»، «مَنْ عَلَّمَ خَيْراً فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ»، چنین بر می آید که مقصود از این علوم صرفاً علوم دینی است؛ زیرا دارنده چنین علومی وارثان انبیاء هستند و چنین علومی را باید از اهلش گرفت و به آن عمل کرد. افزون بر این، هیچ یک از این روایات بر وجوب ترویج مجانی علم دلالت نداشته و صرفاً توصیه های مؤکد دینی به شمار می روند.

۲۵. به عنوان نمونه در روایت محمد بن محمد بن مسلم از امام باقر(ع) آمده است: «إِنَّ الَّذِي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَلَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَعَلِّمُوهُ إِخْوَانَكُمْ كَمَا عَلَّمَكُمُوهُ الْعُلَمَاءُ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۵).

در دسته دوم، آموزش علم و بذل آن، به عنوان پیمان و عهد خداوند از علما تلقی شده است^{۲۶}. به نظر می‌رسد این علوم نیز ناظر به علوم خاصی است که برای نجات جامعه بشری و سعادت اخروی آنها لازم است. از این روایات نیز مانند روایات دسته قبل، وجوب ترویج و نشر رایگان علوم - آن هم هر علمی - فهمیده نمی‌شود^{۲۷}.

در دسته سوم، نشر علم و دانش به عنوان زکات علم شمرده است^{۲۸}. در خصوص این دسته از روایات نیز باید گفت: اولاً: سند این دسته از روایات ضعیف است و از حیث دلالتی نیز با مشکلات متعددی روبه‌روست؛ از جمله اینکه روایات مزبور هیچ‌گونه دلالتی بر وجوب نشر علم به صورت رایگان ندارد؛ ثانیاً: بر فرض دلالت این روایات بر لزوم نشر رایگان علوم، بر عالم لازم است صرفاً بخشی از علم خود را (زکات آن را) مجاناً در اختیار دیگران قرار دهد نه تمام آن را؛ ثالثاً: ممکن است همان‌گونه که برخی از محدثان گفته‌اند مقصود امام از این گزاره که زکات علم، آموزش آن است، موارد ذیل باشد:

- همان‌گونه که زکات مال موجب زیادی مال انسان می‌شود، اثر ترویج علم و تعلیم آن، افزونی علم و دانش باشد که به شکرانه عمل عالم و به عنوان پاداش
- ۲۶. در روایت طلحه بن زید از امام صادق (ع) آمده است: «قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ (ع) إِنَّ السَّامِعَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجُهَّالِ عَهْدًا بِطَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْدًا بِبَدْلِ الْعِلْمِ لِلْجُهَّالِ، لَأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجُهْلِ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱).
- ۲۷. حتی در صورتی که قائل به وجوب تعلیم و بذل علم در چنین مواردی شویم، باز هم نمی‌توان مدعی لزوم ترویج این علوم به صورت رایگان شد؛ زیرا شارع راهکاری را برای تأمین زندگی چنین افرادی تدارک دیده است که آن، عبارت است از تأمین نیازهای زندگی چنین افرادی از بیت‌المال. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۵۴؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۸، ص ۹۴؛ شهید ثانی، الروضة البهية، ج ۳، ص ۷۱).
- ۲۸. در روایت جابر بن یزید جعفی از امام باقر (ع) آمده است: «زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱؛ مجلسی دوم، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۳۶).

عملش از سوی خداوند به او اعطا می شود.

- همان گونه که زکات موجب پاکی مال می شود، نشر و آموزش علم نیز موجب خلوص علم و رفع شبهات آن در فرآیند تعلیم و تعلم می شود.

- همان گونه که زکات موجب حفظ مال در برابر آفت ها می شود، ترویج و تعلیم علم نیز موجب حفظ آن از آفت فراموشی و زوال می شود^{۲۹}.

در دسته چهارم، از منع و امساک کردن علم از اهلش، منع شده است^{۳۰}. با صرف نظر از اینکه روایات مزبور ناظر به علوم خاص - و نه هر علمی - است، وجوب و لزوم نشر رایگان علوم از آنها فهمیده نمی شود.

پنجمین دسته از روایات، به نکوهش افرادی پرداخته است که به علم خویش مباحثات و به سبب آن در طلب کسب دنیا هستند^{۳۱}. به نظر می رسد موضوع این گونه علوم نیز با توجه به تعابیر به کار رفته در این روایات مانند: «مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ»، «وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ» علوم دینی است^{۳۲} که بر خلاف مباحث هنری، ادبی، صنعتی و ... به

۲۹. مجلسی، مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۳۵؛ مازندرانی، شرح الکافی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۳۰. در روایتی که یونس بن عبدالرحمن با واسطه ای از امام صادق (ع) نقل کرده، چنین آمده است: قَامَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) خَطِيبًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تُحَدِّثُوا الْجُهَّالَ بِالْحِكْمَةِ فَتُظْلَمُوا وَلَا تَمْنَعُوا أَهْلَهَا فَتُظْلَمُوهُمْ (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۲).

۳۱. به عنوان نمونه در بخشی از روایت ابی خدیجه از امام صادق (ع) چنین آمده است: مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الْآخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶). همچنین در بخشی از روایت حفص بن غیاث از امام صادق (ع) آمده است: إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالَمَ مُحِبًّا لِلدُّنْيَا فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لِنَفْسِهِ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ (ص): أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ (ع) لَا تَجْعَلَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيُضِلَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي ... (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶).

۳۲. آصف شیرازی، الكشف الوافی فی شرح اصول الکافی، ص ۱۷۹؛ قزوینی، صافی در شرح کافی، ج ۱، ص ۳۵۵.

مباحث اعتقادی و اخروی ناظر بوده و با مباحث مربوط به مالکیت فکری تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. البته باید اذعان کرد که برخی از مصادیق اینگونه علوم نیز - مانند تألیفات مربوط در حوزه مباحث دینی - مشمول مقررات مالکیت فکری می‌شوند.

با تأمل در روایات، این احتمال به صورت جدی تقویت می‌شود که موضوع مذمت و سرزنش مذکور در این روایات - چنان که برخی از صاحب نظران گفته‌اند^{۳۳} - دنیاطلبی در پوشش دین و کاسبی کردن از طریق معارف دینی و بلکه مطابق برخی از روایات^{۳۴}، فتوا دادن بدون علم و وارونه کردن حقایق است.

۵. منتهی شدن مالکیت فکری به کتمان علم

برخی از نویسندگان در رد مشروعیت مالکیت فکری بیان کرده‌اند که اگر حق مزبور معتبر باشد، ممکن است مؤلف به سبب مسائل مالی از طبع و نشر اثر علمی خویش خودداری ورزد و این کار از مصادیق کتمان علم بوده و منهی مورد نهی است؛ چنان که خداوند می‌فرماید، «ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الهدی ... اولئک یلعنهم اللّٰه و یلعنهم اللّٰعون»^{۳۵}.

در پاسخ به این استدلال، باید گفت: اولاً: با عنایت به تعبیر «انزلنا من البینات و الهدی» و نیز تعبیر «مَنْ بَعْدَ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ» آیه اشاره شده مربوط به

۳۳. ملاصدرا، شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۲۲۶.

۳۴. صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۸۱ «حَمَزَةُ بْنُ حُمَرَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: مَنْ اسْتَأْكَلَ بَعْلَمَهُ افْتَقَرَ. فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ فِي شِيعَتِكَ وَمَوَالِيكَ قَوْمًا يَتَحَمَّلُونَ عُلُومَكُمْ وَيَشُونَهَا فِي شِيعَتِكُمْ فَلَا يَعْدَمُونَ عَلَى ذَلِكَ مِنْهُمْ الْبِرَّ وَالصَّلَاةَ وَالْإِكْرَامَ: فَقَالَ (ع): لَيْسَ أَوْلَاكَ بِمُسْتَأْكِلِينَ إِنَّمَا الْمُسْتَأْكِلُ بَعْلَمَهُ الَّذِي يُفْتِي بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطَّلَ بِهِ الْحُقُوقَ طَمَعًا فِي حُطَامِ الدُّنْيَا».

۳۵. عثمان شبیر، حقوق معنوی پدید آورندگان، ص ۴۲.

کتمان حقانیت اسلام یا رسالت حضرت ختمی مرتبت (ص) است^{۳۶} و این موضوع با حقوق مالکیت فکری ارتباطی ندارد.

ثانیاً: بر فرض اینکه آیه شریفه اطلاق داشته باشد و کتمان هر نوع اطلاعاتی را شامل شود، به نظر می‌رسد که منشأ و سبب قوی تر کتمان علم و هنر پدیدآورنده، دیگران هستند که حاضر به پرداخت هزینه‌های دانش و هنری نیستند که با صرف وقت و هزینه‌های زیاد تولید شده و برای استمرار آن نیز به هزینه‌های جدید نیاز دارد.

۶. عدم جواز اخذ اجرت در امور عبادی

گفته شده است که علم از مصادیق امور عبادی و قریبی است نه از قبیل مسائل تجاری و صنعتی و مزد خواستن برای انجام امور عبادی جایز نیست؛ در نتیجه، عالم باید به صورت تدریس و تحصیل و بدون چشم داشت به دریافت مزد، علمش را در اختیار دیگران قرار دهد. البته مردم وظیفه دارند هزینه زندگی این فرد را تأمین کنند.^{۳۷}

در پاسخ به این استدلال نیز می‌توان گفت: اولاً این ادعا که پدیدآوردن آثار فکری و رایانه‌ای از قبیل امور عبادی بوده و قصد قربت لازم داشته باشد، ثابت نیست، بلکه خلاف ادعای مطرح شده، ساخت نرم افزارها و تولید آنها بیشتر جنبه تجاری و صنعتی دارد و بر فرض آنکه تولید برخی از نرم افزارها، به دلیل لزوم آن در انتظام امور، ضروری و واجب باشد، این نوع واجبات از قسم واجبات تعبدی

۳۶. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۵-۴۶؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱۳، ص ۲۰۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۴۲-۴۴۳؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۳۹۰-۳۸۸.

۳۷. عثمان شبیر، حقوق معنوی پدیدآورندگان، ص ۴۲.

نیست که - مطابق قول مشهور - گرفتن اجرت برای آن جایز نباشد. به بیان دیگر، وجوب این گونه از مشاغل - که از قسم واجبات توصلی و کفایی است - برای برقراری نظام است؛ مانند شغل پزشکی و مشاغل مشابه آن. انجام واجبات توصلی کفایی یا مطلق توصلیات - هم چنان که برخی از فقها متذکر شده اند - متوقف بر انجام عمل، به صورت رایگان نیست.^{۳۸} ثانیاً بر فرض آنکه انجام اعمالی مانند خلق آثار فکری، به دلیل ماهیت عبادی آن، قابلیت گرفتن اجرت را نداشته باشد، این امر با دریافت وجه مادی و اجرت به دلیل مقدمات آن (صرف هزینه، وقت و ...) منافاتی ندارد.^{۳۹} بالاخره اینکه اگر پذیرفته شود که چون چنین مواردی نوعی از شعب علوم محسوب شده و طبیعتاً جزو امور عبادی است و بنابراین، گرفتن اجرت در مقابل آن جایز نیست، باید گرفتن اجرت توسط معلمان و اساتید دانشگاه ها و ... را نیز جایز نشماریم و حال آنکه هیچ فقیهی گرفتن اجرت توسط شاغلان مزبور را در قبال تعلیم افراد، غیرمجاز و نامشروع نمی داند.

افزون بر آن، به چه دلیلی ادعا می شود که تأمین زندگی دانشمندان و هنرمندان، بر مردم واجب است؟ بر فرض اینکه تأمین زندگی عالمان و دانشمندان بر مردم لازم باشد، ضمانت اجرای آن چیست؟ آیا ساز و کاری برای اجبار مردم به تأمین زندگی ایشان وجود دارد؟ آیا منطقی و معقول است به جای آنکه قائل به مشروعیت مالکیت فکری شده و استفاده کنندگان از تولیدات فکری را ملزم به پرداخت هزینه های بهره وری از آثار دیگران کنیم، همه افراد جامعه را به صورت مساوی - خواه از اثر تولید شده نفعی برده باشند یا نه - به تأمین هزینه زندگی

۳۸. انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۱۹۱؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۵۰۵؛
فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ج ۲، ص ۲۶۴؛ نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۱.
۳۹. موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۳۴۳ - ۳۴۴؛ صافی گلپایگانی، هدایة العباد،
ج ۱، ص ۲۹۵ و ۲۹۶؛ خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، ج ۱، ص ۱۵.

اندیشمندان مکلف کنیم؟ چنین رویه ای اولاً موجب سرشکستگی و از بین رفتن عزت نفس دانشمندان می شود؛ زیرا وقتی زندگی آنها توسط دیگران تأمین شد، زیر بار منت ایشان خواهند بود؛ ثانیاً چه بسا بین ارائه خدمات و ارزش آثار با کمک های دریافتی از سوی مردم تناسبی نباشد؛ ثالثاً وقتی به صورت وجوب کفایی، تکلیفی را متوجه مردم کنیم، در آن صورت چه بسا افراد منتفع از اثر تولیدی در تأمین هزینه های زندگی تولید کننده اثر مشارکت نکنند و در مقابل، تأمین زندگی ایشان بر دوش اشخاصی قرار گیرد که نفعی از تولیدات عایدشان نشده است.

۷. تنافی با مذاق شریعت

به اعتقاد برخی، اعتبار مالکیت فکری با مذاق شرع منافات دارد.^{۴۰} با این تحلیل که در روایات مختلف بر اشاعه علم، ارتزاق نکردن از طریق آن و جایگاه رفیع دانشمندان اشاره شده است که از مجموعه آنها برداشت می شود که شاعر، تبادُل آزاد علمی را در نظر داشته است و حصر و محدودیت آن را نخواست است. این رویکرد و ذائقه شاعر با مشروعیت مالکیت فکری تنافی دارد؛ زیرا لازمه پذیرش مالکیت فکری محدودیت در بهره برداری از افکار و دانش دیگران است. پاسخ این مطلب اجمالاً از پاسخ های قبلی روشن شد، با این حال به بیان دیگری بازگویی می شود. توسعه و بذل علم با مالیت پدیده فکری و پرداخت هزینه های تولید فکر و اثر، منافاتی ندارد. حتی ممکن است ادعا شود که حمایت از مالکیت فکری زمینه اشاعه علوم را فراهم می کند و با حمایت از مالکیت فکری، دانشمندان نتیجه تلاش خود را در اختیار دیگران می گذارند و افراد می توانند از آن بهره ببرند.

۴۰. برای مشاهده مفاهیم مرتبط و نیز موارد استدلال به مذاق شریعت، ر. ک: حکمت نیا، مبانی مالکیت فکری، ص ۳۷۱-۳۷۲.

علاوه بر آن، چنان که ملاحظه شد، موضوع روایات اشاره شده، علوم دینی است. صاحبان این علومند که وارثان انبیاء هستند. حاملان چنان علمی امانت رسولان بوده و به مجالست با ایشان توصیه و ترغیب شده است حتی نسبت به چنین دانشمندانی نیز، وضعیت معاش و تأمین زندگی آنها از نظر پنهان نمانده و چنان که گفته شد، بر عهده بیت المال قرار گرفته است. با توجه به چنین رویکردی، اگر ما در سایر علوم به جای اینکه هزینه های زندگی چنین اندیشمندانی را بر بیت المالی که متعلق به همه مسلمان هاست تحمیل کنیم، بهره برداران از تولیدات و آثار این اندیشمندان را در قبال بهره ای که از آثار ایشان برده اند، ملزم به پرداخت هزینه هایی کنیم، بر خلاف رویکرد و مذاق شارع، عمل کرده ایم.

ارزیابی ادله موافقان

قبل از بیان استدلال های این گروه، از آنجا که برخی از آنها مبتنی بر مال بودن مالکیت فکری است لازم است ابتداء توضیحی در مورد مال ارائه شود.

مال در لغت به هر چیزی که قابلیت تملک داشته باشد اطلاق شده است.^{۴۱} تعریفی که فقها از مال ارائه کرده اند با استفاده از همان مفهوم لغوی و عرفی مال بوده است و بیشتر، تعریف شرح اسمی است.^{۴۲} برخی از فقها مال را عبارت از هر چیزی دانسته اند که عقلا در قبال آن حاضر به بهایی باشند^{۴۳} و برخی دیگر نیز مال را عبارت از هر چیزی دانسته اند که مورد رغبت عقلا و تقاضای آنها بوده و در ازای آن بهایی پرداخت می کنند.^{۴۴} برخی دیگر از فقها با اشاره به تعریف مال در نزد عرف

۴۱. ابن منظور مصری، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۳۵؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۵،

ص ۴۷۵؛ ابن اثیر جزیری، النهایة، ج ۴، ص ۳۷۳.

۴۲. مشکینی، مصطلحات فقه، ص ۴۶۵؛ کاشف الغطاء، تحریر المجله، ج ۱، ص ۱۲۸.

۴۳. مؤمن، کلمات سدیدة، ص ۲۴۳.

۴۴. امام خمینی، البیع، ج ۱، ص ۳۷.

که عبارت است از «هر چیزی که انسان آن را به تملک خود در آورده و به خودی خود، نوع افراد به آن متمایل بوده و آن را ذخیره وقت حاجت می سازند و در قبال آن، بهایی می پردازند و برای به دست آوردن آن تلاش می کنند»، به مفهوم شرعی مال پرداخته و بیان می دارند: «در شرع، مالیت هر شیئی به اعتبار وجود منافع محله در آن است. از این رو، اشیایی مانند شراب، مال محسوب نمی شوند».^{۴۵}

با تتبع در متون فقهی ملاحظه می شود که تعریف خاصی - غیر از همان مفهوم عرفی - از مال ارائه نشده است و تعابیر متفاوت به کار رفته در عبارات فقها نیز صرفاً سبب تبیین همان مفهوم عرفی مال است. با این وجود، در شرع مالیت برخی از اشیاء و منافع به دلیل نبودن منفعت محله در آن، ملغی شده است؛ مانند منافی که در شراب و آلات قمار وجود دارد. از آنجا که امروز تولیدات فکری منافع اقتصادی دارند و عقلاً حاضرند در قبال به دست آوردن فرمول ساخت یک محصول یا اختراع و یا پخش و عرضه محصولات ادبی و هنری و ... بهایی پردازند، شرعاً مصادیق مالکیت فکری را می توان جزو منافع محله دارای مالیتی^{۴۶} دانست که از ابتکار و عمل پدیدآورنده به وجود آمده است. برخی از فقها با تصریح به این مضمون، عنوان کرده اند:

۴۵. خویی، مصباح الفقاهة (المکاسب المحرّمة)، ج ۲، ص ۳-۴.

۴۶. در خصوص نسبت بین مالیت و مالکیت دو دیدگاه وجود دارد. برخی این دو را امری واحد تلقی کرده و معتقدند هر چه که داری مالیت باشد قابلیت تملک نیز دارد (ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۲۱۶) ولی بنابر نظر صحیح، بین این دو رابطه عموم من وجه است؛ به این ترتیب که این دو عنوان در بیشتر موارد دارای مصادیق مشترکند ولی در برخی موارد مالکیت صادق است، اما مالیت صدق نمی کند؛ مانند مالکیت بر یک حبه گندم یا جو. از سوی دیگر گاه مالکیت محقق نیست، ولی مالیت وجود دارد؛ مانند مورد تحجیر که حق اولویتی برای تحجیر کننده به وجود می آورد که دارای ارزش مالی است. (ر. ک: سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۱۶، ص ۲۱۰)

ما معتقدیم که حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن، یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت. به تعبیر دیگر، اهمیت مالکیت های فکری کمتر از مالکیت های عینی نیست و حکومت اسلامی باید عهده دار حفظ آنها باشد. ۴۷

برخی از نویسندگان در تبیین این مطلب و برای اثبات مالیت داشتن تولیدات فکری از همبستگی دو مقوله مالیت و منفعت بهره جسته و با تأکید بر اینکه مالیت داشتن هر شیء در گرو نافع بودن آن است، بیان داشته اند:

معیار مالیت اشیاء، وجود منفعتی در آن شیء است که عقلاً در برابر آن حاضر به بذل مال باشند. به بیان دیگر، هر چیزی که مورد معامله عقلاً باشد و آن را دور نیندازند یا از آن صرف نظر نکنند، مال است. اساس مالیت اشیاء، کارآیی و فایده ای است که مردم در ازاء آن پول پرداخت کنند. بنابراین، چیزی که از دید مردم فایده ندارد مال نیست، هر چند از اعیان خارجی باشد و چیزی که فایده دارد مال است، هر چند از اعیان خارجی نباشد. مناط قیمت و ارزش اشیاء، منفعت آنهاست و عینیت مادی آنها در مالیت آن ها نقشی ندارد. اگر معیار مالیت را منفعت شیئی بدانیم، در آن صورت ابتکارات فکری نیز مالیت خواهند داشت. اگر کرم ها و حشرات که طعمه صید قرار می گیرند به خاطر تصور وجود منفعتی در آنها می توانند مالیت داشته باشند، تولید فکری انسان که راهگشای نسل های حال و آینده بوده و گاه بشریت را از یک بحران جدی نجات داده است به طریق اولی مالیت خواهند داشت. ۴۸

۴۷. مکارم شیرازی، نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳.

۴۸. یزدانی، حق مؤلف در اندیشه های فقیهان معاصر امامیه، ص ۳۸، با اندکی تغییر و تلخیص.

پس از ذکر این مقدمه کوتاه به بیان دلایلی که با استناد به آنها سعی شده است مشروعیت مالکیت فکری اثبات شود، پرداخته می‌شود. برخی از ادله مزبور همچون وفای به عهد و مصلحت نظام، به عنوان حکم ثانوی و برخی دیگر مانند حرمت اکل مال به باطل و حرمت ظلم، به عنوان حکم ثانوی به اثبات مشروعیت مالکیت فکری می‌پردازند. از آنجا که هدف این نوشته واکاوی این نکته است که آیا راهی برای مشروعیت بخشی به حقوق مالکیت وجود دارد یا خیر، در تفکیک بین این دو قسم از ادله ضرورتی احساس نمی‌شود.

۱. حرمت اضرار

نقض حقوق مرتبط با مالکیت فکری مانند کپی برداری از نرم افزار دیگری، ذخیره داده‌ها و نرم افزار متعلق به غیر روی سیستم رایانه‌ای (دانلود و ذخیره سازی غیرمجاز)، شکستن قفل نرم افزار، تکثیر و عرضه غیرمجاز نرم افزارهای اصلی یا قفل شکسته و ... همگی از اموری هستند که موجب وارد آمدن ضرر به پدیدآورنده اثر می‌شوند. بنابراین، از چنین اعمالی نهی شده و مورد رضایت شارع نیست. تعدی و تجاوز به حقوق معنوی صاحبان آثار، اگر به صورت غیر عمدی انجام شده باشد، موجب مسئولیت مدنی مرتکب خواهد بود و در صورت عمدی بودن، مرتکب علاوه بر جبران خسارت، به دلیل ارتکاب عمل حرام، مستحق تعزیر نیز خواهد بود. برخی از فقها با تمسک به حرمت اضرار به غیر، رعایت حق معنوی را لازم شمرده‌اند.^{۴۹} اضرار به مالک را این گونه نیز می‌توان تبیین کرد که با فروش غیرانحصاری یک یا چند نسخه از نرم افزار به افراد دیگر، حق تولیدکننده این پدیده فکری به طور کلی منتقل نشده و وی همچنان حق دارد از عرضه و فروش نرم افزار خود به دفعات و طی سال‌های سال بهره‌مند شود و این حق مورد قبول همگان

۴۹. بهجت، استفتاءات، ج ۳، ص ۲۲۲ و ۲۲۶ و نیز ر.ک: گنجینه آرای فقهی، سؤال ۵۷۴۲.

است و مخالفتی با آن وجود ندارد. حال چنانچه خریدار یا کسی که حق بهره برداری غیرانحصاری از نرم افزار را پیدا کرده است به تکثیر آن اقدام کند، به همان اندازه موجب می شود که پدید آورنده از این حق بی بهره گردد و این، اضرار به اوست.

۲. لزوم وفای به عهد

هرگاه در معاملات (به معنای عام آن) شرطی در نظر گرفته شود، وفای به آن شرط به مقتضای عموماتی مانند «المؤمنون عند شروطهم» لازم است، بر این اساس گفته شده است:

در معاملات (به معنای عام آن) نباید شروط و بناهای ارتكازی را نادیده گرفت. به نظر می رسد امروزه در مورد حقوق معنوی، این شرط و ارتكاز وجود داشته باشد. اگر شرط سلامت کالا و ادای ثمن از نقد رایج و عدم تاخیر آن و عدم غبن - بنا بر قبول برخی از فقها - از شروط ضمنی و از قراردادهای لازم الرعایه شرعی و عقلایی است، آیا عدم تکثیر و چاپ و اقتباس از یک اثر ارزشمند از بناهای عقلایی و شرط ضمنی نیست.^{۵۰}

برخی از فقها نیز با اشاره به این نکته که تخلف از شرط ضمن عقد، هر چند به آن تصریح نشده باشد صحیح نیست، تصریح کرده اند که «اگر معامله بنا بر شرطی (مبنیاً علیه) واقع شده باشد، یا شرطی به عنوان شرط ارتكازی در نزد متعاملین باشد، رعایت آن ضروری است».^{۵۱} از این رو، هرگاه پدید آورنده هنگام انتقال اثر، تکثیر نکردن، نشکستن قفل نرم افزار و ... را شرط کرده باشد، عمل به این شرط برای خریدار ضروری خواهد بود. البته برخی از فقها، نه شرط ارتكازی را

۵۰. علیدوست، جزوه خارج فقه، بررسی ادله عمومی معاملات، ص ۲۵۵.

۵۱. تبریزی، بهجت، صافی گلپایگانی، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۷۴۲.

در مورد رعایت حقوق معنوی کافی می‌دانند و نه درج عباراتی از قبیل: «حق چاپ محفوظ است»، بلکه معتقدند اگر مؤلف، مصنف، مترجم یا ناشر هنگام فروش واقعاً شرط کند که خریدار به تکثیر و... اقدام نکند و مشتری نیز شرط مزبور را بپذیرد، در آن صورت رعایت شرط ضروری خواهد بود.^{۵۲} یکی از فقها^{۵۳} تصریح می‌کند که هرگاه در معامله مثلاً فروش نرم افزار به صورت صریح یا ضمنی، شرط تکثیر نکردن و مانند آن مطرح شده باشد، رعایت شرط مذکور شرعاً لازم است. ایشان با استناد به معتبره حسین بن مصعب از امام صادق(ع) که در آن آمده است:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: فَلَا تُكَلِّمُ لَوْ أَنَّكَ لَأَحَدٍ فِيهَا - آدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ - وَالْوَقَاءُ بِالْمَهْدِ لِلْبُرِّ وَالْفَاجِرِ - وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ؛^{۵۴}

از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود: سه چیز است که برای هیچ کس عذری در آنها وجود ندارد. ادای امانت به نیکوکار و فاجر، وفای به عهد نسبت به نیکوکار و فاجر، و نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند و خواه فاجر.

بر لزوم رعایت شرط مزبور، حتی در صورتی که مشروط‌له کافر باشد تأکید می‌کند.

مشخص نیست که چرا از نظر بعضی فقها^{۵۵} که راه مشروعیت بخشیدن به

۵۲. امام خمینی، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۲۰۷۶؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ج ۲، ص ۹۲.

۵۳. حکیم، من فقه الکاامبیوتر و الانترنت، ص ۸ و ۹.

۵۴. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۱.

۵۵. حضرت امام(ره) در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه اگر بایع به مشتری حق طبع کتاب را به طور عکسبرداری ندهد و در هنگام معامله با نوشتن جمله حق چاپ محفوظ است به ناشران بعدی هم تذکر داده و تصریح کند که به این شرط می‌فروشم، آیا مشتری می‌تواند از شرط تخلف کند یا خیر؟ چنین فرموده‌اند:

«تنها نوشتن جمله مزبوره موجب ثبوت حق شرعی نیست و خریدار ممنوع از تصرف در

برخی از حقوق مالکیت فکری را شرط ضمن عقد می دانند، نوشتن عبارت حق طبع، نشر، تکثیر و محفوظ است بر روی آثار فکری، نمی تواند حقی را برای پدیده آورنده یا دارنده حق تکثیر و ... ایجاد کند. آیا علت چنین رویکردی آن است که چون این شرط به صورت شفاهی است، نمی تواند حقی را ایجاد کند یا به دلیل آن است که نوشتن چنین عباراتی کاشف از قصد جدی و اراده حقیقی صاحبان آثار فکری نیست و لذا اثری بر آن مترتب نمی شود؟ اگر علت چنین دیدگاهی یکی از دو احتمال مزبور باشد، باید گفت مراد شرطگذاران در چنین مواردی کاملاً جدی بوده و رونق فعالیت و تجارت آنها به چنین شروطی وابسته است. از سوی دیگر - و با فرض جدی بودن شروط در نظر گرفته شده توسط صاحب حق - فرقی بین شروط کتبی و شفاهی وجود ندارد و گرنه باید بسیاری از قراردادها و شروط آن را به صرف کتبی بودن غیر معتبر بدانیم، لذا دلیلی برای بی اعتباری این شرط که نوعاً روی نرم افزارها و ... درج می شود وجود ندارد و چنانچه خریدار حاضر به رعایت این شرط نباشد، می تواند از خرید آن صرف نظر کند.

علاوه بر آنچه گفته شد، باید این نکته را نیز اضافه کرد که اصولاً در تمامی نقل و انتقالات پدیده های فکری یک شرط ارتکازی بین طرفین وجود دارد و آن عبارت است از رعایت حقوق مرتبط با مالکیت فکری، مانند جایز نبودن تکثیر و ... و چنین شرطی - مانند شرط ارتکازی معیوب نبودن کالا - لازم الرعایه است. ارتکاز عقلاً بر شرط مزبور امروز چنان واضح و روشن است که صرف نظر کردن از این

> ملک خود نمی شود، ولی اگر فروشنده خواه مؤلف باشد یا مصنف یا مترجم یا ناشر بر شخص خریدار در ضمن معامله شرط کند که اقدام بر تکثیر نکند و یا در صورت تکثیر، فلان مبلغ بدهد یا برای هر جلدی فلان مبلغ پردازد یا درصد معینی از کتاب تکثیر شده را تسلیم کند و مشتری چنین شرطی را بپذیرد شرط مزبور صحیح و لازم الوفاء است. (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۲۰۷۷)

حقوق باید به انتقال یابندگان آثار فکری اعلام و اظهار شود. به بیان دیگر، امروز در عرف عقلا حقوق مالکیت فکری چنان محرز و مفروض است که تولیدکنندگان برخی از آثار فکری که به علل فرهنگی و عقیدتی قصد صرف نظر کردن از این حقوق را دارند، ناچارند در تولیدات خود تصریح کنند که تکثیر اثر آنها توسط افراد دیگر جایز است.

۳. حرمت اکل مال به باطل

گفته شده که^{۵۶} پدیده حق معنوی و مالکیت فکری را می توان از طریق قاعده «حرمت اکل مال به باطل» نیز ثابت کرد؛ به این بیان که مراد از باطل در آیه کریمه «ولا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل»، باطل عرفی است و بدون تردید با وضعیتی که امروز بر چاپ و نشر آثار هنری، کتاب و ... حاکم است، تکثیر و بهره بردن از طریق تکثیر آثار دیگران، مصداق اکل مال به باطل است و اگر قصد سودجویی نیز نباشد، محروم کردن دیگران از چیزی است که عرف آن را مال می داند در حالی که مطابق روایت «فلا یحل لأحد أن یتصرف من مال غیره بغیر اذنه؛ برای هیچ کس جایز نیست که بدون اجازه دیگری در مال او تصرف کند»^{۵۷} این عمل جایز نیست. دلیل مذکور، خود متشکل از دو دلیل است:

۱. حرمت اکل مال به باطل: بدیهی است کاربرد این دلیل تنها در مواردی است که این عنوان صادق باشد. بنابراین، اگر شخصی از روی کنجکاوی و صرفاً به دلیل بالا بردن مهارت خود مثلاً به شکستن قفل نرم افزارها اقدام کند بدون آنکه اجرتی برای این کار دریافت کند یا خود از محتویات نرم افزار سود برد، با دلیل مزبور نمی توان حرمت عمل او را اثبات کرد.

۵۶. علیدوست، جزوه خارج فقه، ادله عمومی معاملات، ص ۲۵۵.

۵۷. صدوق، اکمال الدین، ص ۵۲۱؛ طوسی، الاستبصار، ج ۲، ص ۵۹.

۲. حرمت تصرف در اموال دیگران و منع او از منافع و عایدات اثر فکری اش: مطابق این استدلال، شکستن قفل نرم افزار و تکثیر و عرضه آن با انگیزه های خیرخواهانه ای مانند ترویج فرهنگ و ... نیز تصرف در مال دیگران بوده و ممنوع است. ضمن آنکه این عمل موجب محرومیت پدیدآورنده از عایدات مالی اثر خود می شود. در فتاوی فقهای دیگر نیز این نکته که نادیده گرفتن حقوق معنوی و رعایت نکردن آن، نوعی تصرف در اموال دیگران است که به حکم شرع ممنوع شده است، به چشم می خورد.^{۵۸} به نظر می رسد تمامیت تمسک به دلیل حرمت اکل مال به باطل، بر پذیرش این پیش فرض مبتنی است که تولیدات و ابتکارات ذهنی و فکری مالیت دارند و این مال با زحمات و تلاش پدیدآورنده به وجود آمده است؛ از این رو، بهره بردن دیگران از نتیجه زحمت و تلاش مبتکر و پدیدآورنده، نوعی اکل مال به باطل است.

۴. قاعده حفظ نظام

حفظ نظام از عناوینی است که معانی مختلفی از آن اراده شده است.^{۵۹} گاه مقصود از حفظ نظام، حفاظت و نگهداری از حکومت اسلامی است و گاه به معنای حفظ سرزمین اسلامی و مسلمانان است و گاه به معنای حفظ نظام معیشتی و زندگی افراد اجتماع است که در این نوشته، همین معنا مقصود است. لزوم حفظ نظام و ضرورت پرهیز و اجتناب از هر امری که موجب هرج و مرج و اختلال در نظام زندگی مردم می شود، از اموری است که مورد تأیید تمامی فقهاست،^{۶۰} بلکه

۵۸. روحانی، استفتائات قضائیه، ص ۴۳۰.

۵۹. کلانتری، حکم ثانویه در تشریح اسلامی، ص ۲۱۱-۲۱۳؛ ملک افضلی و همکاران، «مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول»، فصلنامه مطالعات اسلامی فقه و اصول، بهار ۹۱، شماره ۱/۸۸، ص ۱۲۵ به بعد.

۶۰. برای دیدن اقوال فقها، ر.ک: الهی، حقوق پدیدآورندگان، ص ۵۶-۵۵.

برخی از فقها «لزوم حفظ نظام و قبیح بودن اختلال در آن» را از مستقلات عقلیه دانسته‌اند.^{۶۱} از سوی دیگر صنعت، تجارت و اقتصاد و فرهنگ جوامع، با حقوق مرتبط با مالکیت فکری پیوند نزدیکی برقرار کرده است و این روند رو به رشد که هم اکنون نیز در تمام عرصه‌های زندگی بشری، نفوذ کرده است طی سال‌های آینده از عناصر و لوازم جدایی‌ناپذیر زندگی افراد شده و نظام اجتماعی بر پایه‌های آن استوار خواهد گردید. از این رو، وضع قوانین و مقرراتی که مانع از اختلال در این نظام اجتماعی شود، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. روشن است اگر در قوام نظم اجتماعی، به صنعت نرم افزار خدشه وارد شده و صغرای قضیه مخدوش گردد، استدلال مزبور تمام نخواهد بود.^{۶۲} لکن به اعتقاد ما، هم اکنون نادیده گرفتن حقوق پدیدآورندگان آثار از مصادیق اخلال به نظام است. یکی از نویسندگان در این رابطه می‌نویسد:

صنعت نرم افزار با ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران که دارای پتانسیل بالای نیروی جوان و مستعد می‌باشد هم‌خوانی و سنخیت زیادی دارد، اما متأسفانه این صنعت در ایران رشد قابل توجهی نکرده و بسیاری از شرکت‌های نرم‌افزاری ایرانی در طول ده سال، پس از ورود به بازار و مدت زمان کوتاهی غالباً به علت مشکلات اقتصادی به وجود آمده از کپی غیرمجاز محصولات از صحنه رقابت حذف شده‌اند. هر عقل سلیمی گواهی می‌دهد که اگر حمایت‌های قانونی از نرم افزار صورت نگیرد، هیچ

۶۱. مظفر، اصول الفقه، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ گلپایگانی، الدر المنضود (تقریرات درس خارج)، ج ۲، ص ۱۵۴.

۶۲. استدلال مزبور از سه عنصر تشکیل می‌شود: الف) حفظ نظام اجتماعی با حمایت از صنعت رایانه و نرم افزار میسر بوده و تعدی به حقوق پدیدآورندگان آثار رایانه‌ای موجب اختلال در نظام است؛ ب) هر چیزی که موجب اخلال در نظم اجتماع گردد قبیح و مذموم است؛ ج) تعدی به حقوق پدیدآورندگان قبیح و مذموم است.

سرمایه‌گذاری تمایل به سرمایه‌گذاری در تولید نرم افزار از خود نشان نمی‌دهد و به طور طبیعی، انگیزه و رغبتی بر تقویت و رشد این صنعت به وجود نخواهد آمد و در نتیجه، تولید این محصول مهم و حیاتی دچار وقفه و رکود خواهد شد. برخی از فقها، اشتغال به حرفه خیاطی را یکی از مظاهر حفظ نظم اجتماعی دانسته و هر عملی را که موجب اختلال در آن شود، غیر مجاز شمرده‌اند، آیا نرم افزار در موقعیت فعلی کم تر از حرفه خیاطی است؟^{۶۳}

۵. مشروعیت بخشی به حقوق مالکیت فکری با در نظر گرفتن مصالح

به اعتقاد برخی از فقها، هرگاه ولی فقیه مصلحت جامعه را در وضع قوانین خاص ببیند، می‌تواند چنین مقرراتی را وضع کند که در این صورت رعایت آن بر همگان لازم خواهد بود.^{۶۴} این دلیل که گاه تحت عنوان مبنای ولایت فقیه^{۶۵} نیز از آن یاد می‌شود، تعبیر دیگری از «مصلحت نظام» است. مصلحت نظام به مقررات و اموری مربوط است که رعایت آنها به نفع جامعه است، هر چند که مراعات نکردن آنها نیز موجب اختلال در نظام زندگی مردم نمی‌شود. وضع این گونه امور در اختیار حاکم اسلامی است. فقها در موارد متعددی به این مسئله اشاره کرده و چنین حقی را برای حاکم به رسمیت شمرده‌اند.^{۶۶} به این ترتیب، به

۶۳. وحدتی شبیری، چاپ شده در حقوق پدیدآورندگان، ص ۶۱-۶۰.

۶۴. حائری، «بررسی فقهی حق ابتکار»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۲۳، ص ۹۷؛ سیستانی، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۷۴۲؛ صافی گلپایگانی، به نقل از مسعودی، حقوق نرم افزار از منظر شرعی و فقهی، سایت گروه شرکت های همکاران سیستم، زمستان ۱۳۸۲.

۶۵. حائری، «بررسی فقهی حق ابتکار»، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲۳، ص ۹۷.

۶۶. کلانتری، حکم ثانویه در تشریح اسلامی، ص ۲۱۸-۲۱۹.

نظر می‌رسد حتی با فرض اینکه عدم وضع مقرراتی در راستای حمایت از حقوق مالکیت فکری، موجب اختلال نظام نشود و به عبارتی با دلیل قاعده حفظ نظام، نتوان مشروعیت این گونه حقوق را ثابت کرد، با تمسک به دلیل اخیر یعنی مصلحت نظام یا مبنای ولایت فقیه، می‌توان وجهی برای رسمیت دادن به این نوع حقوق در نظر گرفت. در استفتائاتی که از مراجع عظام تقلید به عمل آمده است بر این نکته تأکید شده است که هرگاه مقررات و قوانینی در زمینه حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری وضع شده باشد، رعایت مقررات مزبور الزامی بوده و تخلف از آن جایز نیست.^{۶۷} البته روشن است که دلیل مذکور می‌تواند به عنوان حکم حکومتی یا ثانوی راهگشای حمایت از حقوق پدیدآورندگان باشد. نگارنده تا حدودی در جریان تولید دو نرم افزار که یکی در حوزه کتابداری و دیگری در حوزه مدیریت پژوهش می‌باشد، قرار داشته است. نرم افزارهای مزبور با سال‌ها زحمت شبانه‌روزی گروهی متخصص و جوان که تمام هم‌خود را در این راه قرار داده بودند، تولید شده و اکنون در حال عرضه است. مشتری نرم افزارهای مزبور، کتابخانه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی است. حال با توجه به بازار مصرف محدودی که برای این نرم افزارها متصور است، چنانچه بنا باشد آنها به صورت غیرمجاز مورد استفاده قرار گیرد نه از طریق تولیدکنندگان آن، به صورت حتمی تولیدکنندگان قادر به دریافت هزینه‌های صورت گرفته نیز نخواهند بود چه رسد به تأمین نیازهای زندگی و هزینه طرح‌های آتی خویش. بدیهی است در صورت بروز چنین مشکلی، دیگر اقدام به تولید نرم افزارهای مفید دیگر نخواهند کرد. این امر موجب خلل در پیشرفت کشور و کندی توسعه علم و دانش خواهد شد که شارع مقدس اهتمام و تأکید ویژه‌ای به آن داشته و ایجاد هرگونه مانعی در راه تکامل علم و دانش را روا نمی‌دارد. حمایت نکردن از حقوق مربوط به مالکیت فکری، به

۶۷. شبیری زنجانی و خامنه‌ای، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۷۴۲.

معنای رخوت و سستی در تولید بخش قابل توجهی از علم است که این امر نیز به نوبه خود می‌تواند وابستگی کشور اسلامی به ممالک دیگر و استیلای فنی و اقتصادی آنها را بر بلاد اسلامی به دنبال داشته باشد. به این ترتیب، تردیدی نیست که حاکم شرع می‌تواند به سبب مصالح متعددی که در رسمیت یافتن این حقوق متصور است، با وضع قوانینی به حمایت از پدیدآورندگان آثار فکری - از جمله نرم افزارها - و حتی مجازات ناقضان این حقوق بپردازد.

وضع قوانین مشتمل بر اعتبار مالکیت فکری، از اموری است که موجب نظم جامعه اسلامی می‌شود و همین کافی است که تحت قلمرویی از احکام و قوانین که در اختیار حاکمیت اسلامی است، قرار داده شود و برای آن قانون وضع شود. وضع این گونه قوانین بسان مقرراتی است که در جامعه اسلامی برای برقرار کردن نظم اجتماعی و رعایت مصالح عمومی اعمال می‌شود؛ مانند قوانین شهرداری‌ها و راهنمایی و رانندگی.

این دلیل (ضرورت) هر چند مشابهت‌هایی با دلیل قبل (حفظ نظام) و دلیل مربوط به نظریه منطقة الفراغ داشته و در مواردی همپوشانی دارند، ولی دلایل کاملاً همسانی نبوده و تفاوت‌هایی با هم دارند که این مقال مجال آن نیست.

۶. حرمت ظلم

اسلام حکم حرمت ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران را بیان و مصادیق این ظلم و موارد تشخیص آن را به عرف واگذار کرده است. از آنجا که امروز همه عقلاً بر این مسئله اتفاق نظر دارند که تعدی به حقوق معنوی افراد از مصادیق ظلم است، نادیده گرفتن حقوق مالکیت فکری حرام خواهد بود. یکی از فقها در این زمینه بیان می‌دارد: «هر نوع عملی که در نظر عرف و عقلاً منشأ حقوق باشد،

رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم است و شرعاً حرام می باشد.^{۶۸} در فتاوی ای برخی دیگر از فقها نیز به صراحت، تعدی و تجاوز به حقوق معنوی دیگران، ظلم شمرده شده است.^{۶۹} امروز افراد جوامع مختلف نقض حقوق پدید آورندگان آثار فکری مانند نرم افزارهای رایانه ای را ظلم روشنی به صاحبان این گونه آثار می دانند. بیشتر افرادی که به شکستن قفل نرم افزارها، تکثیر آنها و ... اقدام می کنند خود نیز با رجوع به نفس خویش به روشنی، نادرست و ظلم بودن این گونه اعمال را در می یابند. چگونه ممکن است شخصی یا گروهی ماه ها و سال ها تلاش کند تا با خلق اثری فکری، ضمن خدمت به جامعه بشری از منافع آن نیز بهره مند گردد ولی عده ای بدون تحمل مشکل و به جان خریدن زحمتی، دسترنج آنها را به تاراج می برند. فطرت پاک هر انسانی زمانی که به قضاوت نشینند ظالمانه بودن این عمل را تصدیق می کند. ظلم، وضع شیء در غیر موضع خود است و اعمال ناقض حقوق پدید آورندگان نیز مصداقی است از وضع شیء در غیر محل خود.

۷. حرمت تصرف در اموال دیگران

با عنایت به اینکه امروز، حقوق معنوی را دارای مالیت و ارزش اقتصادی می دانند، حتی اگر قصد نقض کننده این حقوق سودجویی نبوده و به تبع آن، عملش مصداق اکل مال به باطل نباشد، مصداق تصرف در مال غیر است که به موجب روایات از آن نهی شده است. علاوه بر آن، چنین عملی موجب محرومیت یا محدودیت دارنده اثر از عواید و منافع مالی اثر خود می باشد. از این رو،

۶۸. سبحانی، «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری» فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، ص ۲۰۷.

۶۹. مکارم شیرازی و صانعی، به نقل از، علیرضا مسعودی، حقوق نرم افزار از منظر شرعی و فقهی، سایت گروه شرکت های همکاران سیستم، زمستان ۱۳۸۲.

شکستن قفل نرم افزار، تکثیر و عرضه آن با انگیزه های خیرخواهانه ای مانند ترویج فرهنگ و ... نیز تصرف در مال دیگران بوده و ممنوع است. در فتاوی برخی از فقها بر این نکته تصریح شده است که نادیده گرفتن حقوق معنوی و رعایت نکردن آن، نوعی تصرف در اموال دیگران است که به حکم شرع ممنوع است.^{۷۰} چنان که سابقاً نیز اشاره شد آیه شریفه «و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض»^{۷۱} و نیز روایاتی نظیر «لا یحل مال امریء مسلم الا عن طیب نفسه»^{۷۲} و «لا یحل لمؤمن مال اخیه الا عن طیب نفس منه».^{۷۳} و «لا یحل لاحد ان یتصرف فی مال غیره بغير اذنه»^{۷۴} «فانته لا یحل له دم امریء مسلم ولا ماله الا بطیبة نفسه فلما تظلموا انفسکم».^{۷۵} کبرای یک حکم کلی شرعی را بیان می دارند که عبارت است از حرمت تصرف بدون اذن در اموال دیگران. مصادیق این حکم کلی و یا به عبارت دیگر، صغرای آن را عرف تعیین می کند. در نظر عرف اموری مانند اختراعات و نرم افزارها و نوشته های هنری، مال بوده و ارزش اقتصادی دارد که باید محترم شمرده شده و بدون اذن صاحبان این حقوق در آن تصرفی صورت نگیرد.

تحلیلی که سابقاً در بحث حرمت اضرار مطرح شد اینجا نیز مطرح است؛ بدین صورت که حق تولیدکننده پدیده فکری مانند نرم افزار با فروش غیر انحصاری یک یا چند نسخه از نرم افزار به افراد دیگر، به طور کلی منتقل نشده و وی همچنان حق دارد از عرضه و فروش نرم افزار خود به دفعات و طی سال های متمادی

۷۰. روحانی، استفتائات قضائیه، ص ۴۳۰.

۷۱. نساء، آیه ۲۹.

۷۲. احسائی، عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۷۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۰.

۷۴. همان، ج ۹، ص ۵۴۰ و ۵۴۱.

۷۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹۳؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۷، ص ۲۷۳.

بهره مند شود. با اقدام به تکثیر آن توسط خریدار، او در حقی که اصالتاً متعلق به تولید کننده است مداخله و آن را محدود کرده است.

۸. بنای عقلا^{۷۶}

با مفروض قلمداد کردن حجیت بنای عقلا در موارد سکوت شارع - عدم ردع و یا تأیید بنای عقلایی که در زمان شارع وجود داشته است، خصوصاً در امور مالی و معاملات - به این مسئله می پردازیم که آیا می توان از بنای خردمندان و سیره عملی آنان به اعتبار مالکیت فکری دست یافت؟

پاسخگویی به پرسش مذکور چندان مشکل به نظر نمی رسد. در شرایط کنونی احترام به حقوق معنوی افراد یک بنا و عرف تقریباً جهانی است؛ هر چند منشأ پیدایش این عرف در جوامع مختلف، می تواند امور متفاوتی باشد. منشأ بروز چنین بنایی گاه ظلم پنداشتن مراعات نکردن این حقوق است و گاه، ارزش های اخلاقی، عاطفه و هنر دوستی و ... است.^{۷۷} با عنایت به وجود چنین بنایی، می توان مشروعیت حقوق معنوی و حرمت تعدی به آن را اثبات کرد. در فتاوی

۷۶. از دلیل مذکور، گاه به ارتکاز عقلا نیز تعبیر شده است حائری، «بررسی فقهی حق ابتکار»، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲۳.

۷۷. علیدوست، فقه و عرف، ص ۲۰۹. در مورد تفاوت حکم عقل و بنای عقلا گفته شده است: «دلیل عقلی، برهانی است نظری درحالی که بنای عقلا حکایت از عمل و رفتار دارد». در مورد تفاوت بنای عقلا و عرف نیز گفته شده است که: «در بنای عقلا، رفتاری مورد توجه است که نزد عقلا درست باشد در حالی که عرف و عادت تکرار کاری است که میان مردم معمول است.» (محمدی، قواعد فقه، ص ۲۱۳) به اعتقاد برخی از محققان نیز «عقل نیرو و گونه ای از تعیین نفس است، در حالی که بنای عقلا تاسیس و سلوک است ... بنای عقلا سلوک و روشی است که منبع و سر چشمه آن، گاه درك عقل و گاه عناصر دیگر است، هر چند شاسته است بنای عقلا را جز بر تاسیس سامان یافته از درك عقل اطلاق نکنیم.» (علیدوست، فقه و عرف، ص ۱۲۱ - ۱۲۰).

برخی از فقها بنای عقلا به عنوان دلیلی بر مشروعیت حقوق مرتبط با مالکیت فکری در نظر گرفته شده است.^{۷۸} حتی برخی از فقها که اعتبار مالکیت فکری را تنها در مواردی که شرط اعتبار آن شده باشد پذیرفته اند، با توجه به وجود چنین بنایی، عنوان داشته اند: «چنانچه شرط نشده باشد، سزاوار نیست مؤمن کاری کند که زحمت مؤمن دیگر را هدر دهد».^{۷۹}

در صورتی که اعتبار بنای عقلا را منوط به امضای شارع یا عدم ردع شارع بدانیم، استناد به بنای عقلا برای اثبات حق مالکیت فکری مشکل خواهد بود؛ زیرا وجود چنین بنایی در زمان حضرات معصومین به دلیل فقدان یا کم رنگ بودن نمود چنین حقوقی، مورد تردید بوده و بلکه به طور قطع می توان وجود آن را رد کرد؛ بنابراین، حتی اگر نبودن نهی شارع از بنای عقلا را کاشف از رضایت شارع بر بنای عقلا بدانیم، باز هم استدلال به آن (بنای عقلا) به دلیل عدم احرازش در زمان شارع مخدوش است.

۹. اصل حلّیت

بر اساس برخی روایات، اصل بر حلّیت است مگر آنکه حرمت چیزی به صورت دقیق، مشخص شده باشد؛ روایاتی مانند: «الْأَشْيَاءُ مُطْلَقَةٌ مَا لَمْ يَرِدْ عَلَيْكَ أَمْرٌ وَنَهْيٌ...»^{۸۰} «كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ...»^{۸۱} مطابق اینگونه روایات، گرفتن پول در قبال واگذاری آثار و تولیدات فکری، عملی

۷۸. فاضل لنکرانی، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۷۴۲؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۵۱۷، سؤال ۱۶۹۷ و ج ۳، ص ۵۵۴، سؤال ۱۵۴۲؛ منتظری، رساله استفتاءات، ج ۳، ص ۴۰۶.

۷۹. تبریزی، «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری» فصلنامه رهنمون، ش ۳ و ۲، ص ۲۰۹-۲۰۷.

۸۰. طوسی، الامالی، ص ۶۶۹.

۸۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۳؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۲۶.

جایز بوده و منع شرعی ندارد. به این ترتیب، تولیدکننده نرم افزاری یا هر مخترع و مبتکر دیگری می تواند در ازای انتقال تمام یا بخشی از محصول فکری خود به دیگران، پول بگیرد؛ زیرا در هیچ یک از نصوص شرعی و روایات به حرمت چنین عملی تصریح نشده است. با این همه به نظر می رسد استدلال به اصل حلّیت برای اثبات مشروعیت حقوق مرتبط با مالکیت فکری ناکافی باشد؛ زیرا قائلان به مشروعیت این حقوق، تنها در صدد اثبات این مطلب نیستند که پدیدآورنده اثر، شرعاً حق بهره برداری از منافع مادی اثر خویش را دارد، بلکه ایشان حقوقی به مراتب وسیع تر را برای پدیدآورنده قائلند و علاوه بر آن، در صدد اثبات این مطلب هستند که بهره برداری از این گونه حقوق صرفاً و انحصاراً در اختیار پدیدآورنده است. ایراد دیگر دلیل حلّیت آن است که دیگران نیز با تمسک به اصل حلّیت می توانند استفاده از تولید و ابتکار دیگران را بدون رعایت مقررات وضع شده، برای خود مشروع و مباح تلقی کنند؛ زیرا حرام بودن این گونه تصرفات به صورت دقیق، مشخص نشده است تا از اصل حلّیت خارج شود. همان گونه که ملاحظه می شود، صحیح و وارد بودن این ایراد مبتنی بر آن است که ادله پیشین (حرمت ظلم، حرمت اضرار به دیگران، حرمت تصرف در اموال دیگران و حرمت اکل مال به باطل) کافی نباشد و گرنه در صورت کافی بودن ادله مزبور، جایی برای این ایراد باقی نخواهد ماند؛ زیرا شارع با عنایت به ادله مزبور، حرام بودن تعدی به حقوق پدیدآورنده را - هر چند در بیشتر عمومات - بیان کرده است.

۱۰. دلیل عقلی

وجه دیگری که برای مشروعیت مالکیت فکری بیان شده، دلیل عقلی است. بر اساس حکم عقل، هر کس شایستگی بیشتری برای تصرف در اعمال و نتایج اعمال خود و بهره برداری از حاصل زحمت و تلاش خویش دارد در حالی که

دیگران شایستگی تصرف در عمل دیگران و بهره - خصوصاً اگر این بهره جنبه تجاری داشته باشد - از آن را به لحاظ عقلی ندارند. البته این اولویت، مشروط به این است که خداوند به لحاظ اولویت خود بر همه انسان‌ها، به دیگران اجازه تصرف در اعمال شخص را ندهد. بنابراین اگر خداوند در جایی اجازه داد که دیگران در اعمال و نتایج اعمال شخص تصرف کنند، حکم او پذیرفته شده و موضوع حکم عقلی از میان می‌رود.^{۸۲} شاید به همین سبب باشد که برخی از فقهای مشروعی مالکیت فکری را تنها بر اساس لزوم رعایت شرط ضمن عقد می‌دانند، در غیر از موارد مزبور نیز نمی‌توانند به آسانی از کنار حق مزبور بگذرند و لذا به این نکته توجه می‌دهند که: «چنانچه در ضمن معامله، فروشنده یا خریدار شرط کرده باشد که تکثیر ننماید، باید به این شرط عمل نماید و چنانچه شرط نشده باشد، سزاوار نیست مؤمن کاری کند که زحمت مؤمن دیگر را هدر دهد».^{۸۳}

در اثبات مشروعی و اعتبار مالکیت فکری به امور دیگری از قبیل اعتباردهی به مالکیت فکری بر اساس نظریه منطقه الفراغ^{۸۴}، مشروعیت دهی بر اساس نظریه دین حداقلی^{۸۵}، به رسمیت شناختن مالکیت فکری بر اساس مقاصد شریعت^{۸۶}، اولویت اعتبار مالکیت فکری نسبت به اشیای مادی^{۸۷}، تمسک به مصالح مرسله، ملکیت تکوینی فعالیت‌های فکری، تمسک به ادله حرمت سرقت و غضب یا ورود عدوانی^{۸۸}

۸۲. حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری، ص ۴۱۶.

۸۳. تبریزی، نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت‌های فکری، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳.

۸۴. حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری، ص ۳۷۶ به بعد.

۸۵. حلیمی، «مبانی فقهی حقوقی مالکیت فکری از نگاه مذاهب»، نشریه طلوع، شماره ۱۶.

۸۶. حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری، ص ۴۲۵-۴۲۸.

۸۷. همان، ص ۴۱۲-۴۱۶.

۸۸. برای مشاهده کیفیت استدلال به چهار دلیل مزبور و نقد آن ر. ک: وحدتی شبیری، «وضعیت حقوقی - فقهی رایانه در ایران»، فصلنامه کتاب‌های اسلامی، شماره ۷.

جواز انواع تصرفات (هدیه، وقف و ...) در پدیده فکری^{۸۹}، لزوم مشی مطابق مشی توده مردم^{۹۰}، تمسک به قاعده عسر و حرج^{۹۱} و برخی امور دیگر^{۹۲} استناد شده است که به دلیل ضعف بیشتر این گونه موارد و جلوگیری از طولانی شدن بحث، از بیان آنها خودداری می شود.

در یک ارزیابی کلی از مباحث این گفتار، باید گفت از مجموع دلایلی که طرفداران مشروعیت مالکیت فکری بیان داشته اند می توان به مشروعیت چنین حقی قائل شد و حداقل از باب ضرورت و قاعده حفظ نظام، می توان به تثبیت این حق پرداخت هر چند حقوق مذکور را تا زمانی که ضرورت ها اقتضا کرده و حفظ نظام به آن بستگی داشته باشد، معتبر بدانیم. فقهایی که معتقدند نمی توان وجهی شرعی برای اعتباربخشی به حقوق مالکیت فکری یافت به این مسئله اذعان دارند که اغراض صحیحی در اعتباربخشی به مالکیت فکری متصور بوده و در پی حل این موضوع برآمده و فرموده اند:

راهی که تا حدی می توان بعض اغراض صحیحی را که در اعتبار این حقوق در نظر است، فراهم سازد این است که فقیه جامع شرایط که بر حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد به طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع تالیف، طبع یا تقلید از آن اختراع یا تالیف را تا مدت معینی محدود نماید.^{۹۳}

۸۹. نواف کنعان، حق المؤلف، ص ۲۷.

۹۰. گرجی، مشروعیت حق و حکم آن با تاکید بر حق معنوی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۹، ص ۱۲۳.

۹۱. نقیبی، «جبران خسارت به حق معنوی، مبانی فقهی و حقوقی»، فصلنامه کتاب های اسلامی، شماره ۹، ص ۲۷-۲۴.

۹۲. مرحوم شیرازی در بحث نسبتاً مفصلی که ارائه می دهند، به اثبات حقوق معنوی پرداخته و تجاوز به حقوق صاحبان آثار هنری، علمی، رایانه ای و ... را عملی حرام می دانند. (الفقه، ج ۱۰۰، ص ۵۰۲-۴۸۲).

۹۳. صافی گلپایگانی، «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳.

حضرت علی علیه السلام در کلام گهرباری به فرزندشان امام حسن (ع)

می فرماید:

يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ
لِنَفْسِكَ وَاکْرَهُ لَهُ مَا تُكْرَهُ لَهَا...؛^{۹۴}

فرزندم! خود را میان خویش و دیگری میزان سنجش قرار ده. پس آنچه برای خود (درباره خود) می پسندی، برای دیگران نیز پسند و آنچه تو را خوش نیاید، (انجام آن را) نسبت به دیگران نیز ناخوش بشمار.

اگر این قاعده طلایی، معیار رفتار قرار گیرد به اخلاقی بودن حق مالکیت فکری و رعایت حقوق پدیدآورندگان آثار فکری دست خواهیم یافت؛ زیرا هیچ فردی نمی خواهد دستاوردهای مادی و فکری اش، بی اجر و منت به یغما رود. پس چگونه به خود، این اجازه را می دهیم که خود دسترنج دیگران را با هر توجیهی به یغما ببریم؟^{۹۵}

در پایان یادآوری می شود که در نشست پنجم مجمع فقه اسلامی که در اول جمادی الاولی ۱۴۰۹ مطابق با دهم دسامبر ۱۹۸۸ م (۱۳۶۳/۰۹/۱۹)، در کویت برگزار شد، مسائل گوناگونی از جمله موضوع حقوق معنوی یا حقوق ابتکار مطرح شد و پس از بحث و بررسی در این موضوع، دو بند به تصویب رسید که بر اساس بند اول آن:

اسم و عنوان و علامت تجاری و حق تألیف، اختراع و ابتکار، همگی از حقوق ویژه صاحبان خود به شمار می روند و در عرف معاصر، دارای ارزشی مالی و مورد تقاضای مردم بوده و لذا شرعاً معتبر بوده و تجاوز به آن جایز نیست.

۹۴. نهج البلاغه، ترجمه و شرح به قلم فیض الاسلام، نامه ۳۱، ص ۹۲۱.

۹۵. اسلامی، «کپی رایت از دیدگاه اخلاق» فصلنامه کتابهای اسلامی، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۸۰.

نتیجه

مخالفان مشروعیت مالکیت فکری، دلیل مستحکمی که قابل خدشه و پاسخگویی نباشد اقامه نکرده‌اند و در سوی دیگر، هرچند ادله استنادی قائلان به مشروعیت مالکیت فکری، از نظر اتقان و شمولیت در یک سطح نیستند، ولی از مجموع ادله اقامه شده - خواه ادله مزبور به عنوان حکم اولی باشند یا حکم ثانوی - می‌توان به مشروعیت این گونه حقوق نزد شارع اطمینان حاصل کرد.

با این وصف، در اعمال این حقوق باید نکاتی را لحاظ کرد:

۱. در صورت تزامن این حقوق با امور مهم‌تر، حاکم شرع می‌تواند مانند موارد دیگر، این حقوق را محدود کند؛ مثلاً در مواردی که صاحبان این گونه حقوق علی‌رغم نیاز اجتماع، قادر به اشباع بازار و رفع احتیاجات جامعه نباشند، حاکم شرع می‌تواند با لحاظ حقوق متعارف پدیدآورنده، اجازه تکثیر، تولید و ... اثر مربوط را به میزان رفع نیازها صادر کند. این گونه محدودیت‌ها در حقوق مالک و صاحب حق پدیده فکری در برخی کشورها پذیرفته شده است.

۲. هرگاه مالک پدیده فکری بخواهد به جای کسب درآمد متعارف و معمول از اختراع یا آفرینش فکری خود، این حقوق را وسیله‌ای برای سودجویی‌های حریصانه و غیرمتعارف قرار دهد و از ارائه آن خودداری کند، با صلاحدید حاکم اسلامی می‌توان به مقدار ضروری، این حقوق را نادیده گرفت؛ چنان‌که در موارد احتکار اجناس توسط برخی سودجویان، حاکم سلامی اختیار مداخله در این امر و عرضه کالاهای احتکار شده به مردم را دارد.

۳. مواردی که دو آفرینش فکری یا اختراع و ابداع، هم‌زمان توسط دو نفر پدید آمده باشد، مطابق برخی دیدگاه‌ها در صورتی که یکی از پدیدآورندگان زودتر از دیگری اقدام به ثبت کرده باشد، تولیدکننده دیگر، حق تولید همان اثر را - هرچند تقلید از اثر دیگران محسوب نشود - ندارد. یافتن وجهی فقهی برای چنین

مصادیقی از حقوق مالکیت فکری، مشکل به نظر می‌رسد. همچنین اگر شخصی اثری را تولید کرده باشد، بر اساس هیچ یک از ادله مثبت حقوق مالکیت فکری، نمی‌توان دلیلی اقامه کرد که دیگران با تکیه بر خلاقیت و تلاش خود نتوانند مانند همان پدیده را تولید کنند؛ حتی اگر به سبب تولید نفر دوم، ضرری به تولید کننده اولی وارد شود خسارت وارده شده به تولیدکننده نخست در چنین مواردی را باید نظیر موردی دانست که تاجری به سبب اینکه تجار دیگری نیز همان جنس و کالایی را که او وارد کرده است، وارد کشور کرده‌اند دچار زیان و خسارت شده است. همان طور که خسارت وارد شده بر تولیدکننده نخست، بی‌شبهت به زیان وارد شده بر کشاورزی نیست که محصول او به دلیل کشت همان محصول توسط کشاورزان دیگر به قیمت واقعی خود به فروش نمی‌رسد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه، گردآورنده سید رضی، محمد، قم، مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.ق.

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، بی تا.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴هـ.ق.

۳. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللثالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، قم، دارسید الشهداء للنشر، چاپ اول، ۱۴۰۵هـ.ق.

۴. اسلامی، سید حسن، «کپی رایت از دیدگاه اخلاق»، فصلنامه کتابهای اسلامی، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۸۰.

۵. الهی، فرج الله، حقوق پدیدآورندگان، قم، انتشارات سلسله، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۶. انصاری، مرتضی، المكاسب، قم، انتشارات دهاقانی (اسماعیلیان)، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۷. آشتیانی، میرزا محمد حسن بن جعفر، القواعد الفقهية (بحر الفوائد)، ۲ جلدی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۸. امام خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «قدس سره»، چاپ اول، بی تا.
۹. ———، سیدروح الله، الرسائل، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۱۰. ———، سیدروح الله، تحرير الوسيله، نجف اشرف و قم، دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ. ق و ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۱. بهجت، محمد تقی، استفتاءات، ۴ جلدی، قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت، چاپ اول، ۱۴۲۸ هـ. ق.
۱۲. تبریزی، میرزا جواد، «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱.
۱۳. حسینی حائری، سید کاظم، «بررسی فقهی حق ابتکار»، مجله فقه اهل بیت (ع)، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، نشر موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۵. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، چاپ اول، بیروت، نشر دارالعلوم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۱۶. حکیم، محمد سعید، من فقه کامپیوتر و الانترنت، قم، چاپ خانه بهمن،

- چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ. ق.
۱۷. حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ. ق.
۱۸. حلیمی، عمران، «مبانی فقهی حقوقی مالکیت فکری از نگاه مذاهب»، نشریه طلوع، شماره ۱۶، ۱۳۸۴ هـ. ق.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبة الاستفتائات، نشر دارالنبأ، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۲۰. خویی نجفی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة (المکاسب المحرمه)، بی جا، بی تا، بی نا.
۲۱. _____، منية السائل، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۲. دهاقانی، جمشید، حمایت از برنامه های کامپیوتری (نرم افزارها) از لحاظ حقوقی (پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ هـ. ق.
۲۳. روحانی، سید محمد صادق، استفتائات قضائیه، چاپ سپهر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ق.
۲۴. _____، المسائل المستحدثة، قم، مکتبه محمدی، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۲۵. زیبر، اولریش، جرم کامپیوتری و حقوق اطلاعاتی کیفری، ترجمه محمد حسن دزیانی، تهران، جرایم کامپیوتری، شورای عالی انفورماتیک، مرداد ۱۳۷۶ هـ. ش.
۲۶. سبحانی، جعفر، «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱.
۲۷. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار - دفتر

- حضرت آية الله، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۸. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۲۹. سنهوری، عبدالرزاق، الوسيط في شرح القانون المدني الجديد، بيروت، منشورات حلبی، چاپ سوم، ۱۹۹۸ م.
۳۰. شیرازی، محمد هادی بن محمد آصف معین الدین، الكشف الوافي في شرح اصول الكافي، قم، دار الحديث - چاپ اول، ۱۴۳۰ هـ.ق / ۱۳۸۸ هـ.ش.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، اکمال الدین، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۳۲. _____، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. _____، من لا يحضره الفقيه، ۴ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳۴. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم، انتشارات دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳۵. _____، تهذیب الأحكام، ۱۰ جلدی، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۳۶. _____، الاستبصار، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
۳۷. _____، التبيان في تفسير القرآن، بيروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی، با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.

۳۹. صادقی، محسن، «حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای در ایران با تاکید بر قانون حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه»، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، شماره ۲۶، ۱۳۸۱ هـ. ش.
۴۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون، شماره ۳ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۱.
۴۱. _____، فقه الحج، ۴ جلدی، قم، مؤسسه حضرت معصومه سلام الله علیها، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ. ق.
۴۲. _____، هدایة العباد، قم، نشر دارالقرآن، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۴۳. صانعی، یوسف، استفتائات قضایی (حقوق مدنی)، قم، نشر پرتو خورشید، چاپ سوم، ۱۳۸۸ هـ. ش.
۴۴. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، قم، نشر مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ سنگی، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۴۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۴۶. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، با مقدمه محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ هـ. ش.
۴۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۴۸. عثمان شبیر، محمد، «حقوق معنوی پدید آورندگان» (ترجمه بخشی از کتاب المعاملات المالیه المعاصر فی الفقه الاسلامی) ترجمه: فرج الله الهی، مجله کتابهای اسلامی، سال سوم، شماره هشتم، ۱۳۸۱ هـ. ش.

۴۹. علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام، قم، نشر جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۳.
۵۰. علیدوست، ابوالقاسم، جزوه خارج فقه، بررسی ادله عمومی معاملات، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۵۱. _____، فقه و عرف، قم، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ هـ. ش.
۵۲. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، دو جلدی، قم، انتشارات امیر قلم، چاپ یازدهم، بی تا.
۵۳. فخر المحققین، محمد بن الحسن بن یوسف، ایضاح الفوائد، تحقیق کرمانی، اشتهاردی و بروجردی، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ق.
۵۴. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۵۵. قزوینی، ملا خلیل، صافی در شرح کافی، ۲ جلدی، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ هـ. ق- ۱۳۸۷ هـ. ش.
۵۶. کاشف الغطاء، محمد حسین، تحریر المجلة، المكتبة المرتضوية، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۹ هـ. ق.
۵۷. کلانتری، علی اکبر، حکم ثانوی در تشریح اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ. ش.
۵۸. کنعان، نواف، حق المؤلف؛ النماذج المعاصرة لحق المؤلف و وسائل حمايته، عمان، مكتبة دارالثقافة للنشر والتوزيع، چاپ دوم، ۲۰۰۰ م.
۵۹. گرجی، ابوالقاسم، «مشروعیت حق و حکم آن با تأکید بر حق معنوی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۹، مهر ۱۳۷۲ هـ. ش.

٦٠. گلپایگانی، سیدمحمدرضا، هدایة العباد، قم، نشر دارالقرآن، چاپ اول، ١٤١٣هـ.ق.
٦١. _____، الدر المنضود (تقریرات درس خارج)، تقریر کریمی جهرمی، قم، نشر دارالقرآن، چاپ اول، ١٤١٤هـ.ق.
٦٢. گنجینه آرای فقهی - قضایی، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی معاونت آموزش قوه قضائیه.
٦٣. مازندرانی، محمد صالح بن احمد بن شمس سروی، شرح الکافی، ١٢ جلدی، تهران، المكتبة الإسلامية، چاپ اول، ١٣٨٢هـ.ق.
٦٤. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ٢٦ جلدی، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول، ١٤١٠هـ.ق.
٦٥. _____، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (ص)، ٢٦ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ١٤٠٤هـ.ق.
٦٦. محقق حلی، جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ١٤٠٨هـ.ق.
٦٧. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ نوزدهم، ١٣٨٤هـ.ش.
٦٨. مرعشی، محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ١٣٧١هـ.ش.
٦٩. مسعودی، علی رضا، «حقوق نرم افزار از منظر شرعی و فقهی»، سایت گروه شرکت های همکاران سیستم، زمستان ١٣٨٢هـ.ش.
٧٠. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی جا، بی نا، بی تا.
٧١. مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، مرکز الكتاب للترجمة و النشر، چاپ اول، ١٤٠٢هـ.ق.
٧٢. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ

- چهارم، ۱۳۷۰ هـ. ش.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، قم، انتشارات مدرسه امیرالمومنین، چاپ دوم، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۷۴. ملا صدرا شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، ۴ جلدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۷۵. ملک افضلی، محسن و حائری، محمد حسن و فخرعلی محمدتقی، و ارسطا، محمدجواد، «مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول»، فصلنامه مطالعات اسلامی و فقه و اصول، شماره ۱/۸۸، بهار ۹۱.
۷۶. منتظری، حسین علی، رساله استفتاءات، ۳ جلدی، قم، بی نا، چاپ اول، بی تا.
۷۷. مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیة، بی جا، بی نا، بی تا.
۷۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بی تا.
۷۹. نراقی، احمد، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، مشهد، نشر آل البیت (ع) لإحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۸۰. مکارم شیرازی، ناصر، «نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱.
۸۱. نقیبی، سید ابوالقاسم، «جبران خسارت به حق معنوی، مبانی فقهی و حقوقی»، فصلنامه کتاب های اسلامی، شماره ۹، ۱۳۸۱.
۸۲. وحدتی شبیری، سید حسن، «وضعیت حقوقی - فقهی رایانه در ایران»، فصلنامه کتاب های اسلامی، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۰.
۸۳. یزدانی، عباس، «حق مؤلف در اندیشه فقیهان معاصر امامیه»، فصلنامه کتاب های اسلامی، شماره ۹، ۱۳۸۱ هـ. ش.